



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مباحثی پیرامون حضرت مهدی علیه السلام

نویسنده:

آیت سید محمد باقر صدر (قدس سره)

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	مباحثی پیرامون حضرت مهدی علیه السلام
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	مقدمه ناشر
۱۰	اما بعد
۱۱	خلاصه زندگی نامه حضرت آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر قدس سره
۱۱	اشاره
۱۱	از میلاد تا مدرسه
۱۱	در نجف اشرف، شهر امامت و فقاہت
۱۲	تعلیم و تربیت
۱۲	حزب دعوت اسلامی
۱۲	جماعۃ العلماء
۱۳	حمایت از امام
۱۳	دوران مرجعیت
۱۴	تحریم پیوستن به حزب بعث
۱۴	در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی
۱۴	با قرآن در صحنه
۱۵	شهادت
۱۶	باقیات صالحات
۱۶	طرح پرسش‌هایی درباره تفکر مهدویت
۱۶	توضیح
۱۸	۱. چگونه می‌شود که مهدی علیه السلام عمر طولانی داشته باشد؟
۲۰	۲. معجزه و طول عمر

۳. ارتباط طولانی شدن عمر امام زمان «عجل الله تعالی» با ایجاد تغییر و تحول در جهان ۲۲
۴. رهبری در کودکی ۲۳
۵. چگونه ایمان بیاوریم که مهدی علیه السلام وجود دارد؟ ۲۵
۶. چرا مهدی ظهور نمی‌کند؟ ۲۷
۷. تغییر تاریخ به دست یک نفر ۲۹
۸. تغییر و دگرگونی در روز موعود از چه راهی و چگونه رخ می‌دهد؟ ۲۹
- منابع تحقیق ۳۰
- گزیده‌ای از منشورات مسجد مقدس جمکران ۳۱
- امام مهدی علیه السلام ۳۱
- آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) ۳۱
- امامت، غیبت، ظهور ۳۱
- امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام ۳۱
- انتظار از دیدگاه روایات اهل بیت علیهم السلام ۳۱
- انتظار چیست؟ منتظر کیست؟ ۳۱
- انتظار و انسان معاصر ۳۱
- اوصاف المهدی (اسامی و القاب) ۳۱
- اولین‌های مهدویت ۳۲
- او هر جا که هست مرا دوست دارد ۳۲
- پایان انتظار ۳۲
- پرچم هدایت ۳۲
- تشریف یافتگان (دفتر اول) ۳۲
- تشریف یافتگان (دفتر سوم) ۳۲
- تشریف یافتگان (دفتر چهارم) ۳۲
- تکالیف بندگان نسبت به امام زمان علیه السلام ۳۲

۳۲	تمنای وصال
۳۲	جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام
۳۲	چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام
۳۳	حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت
۳۳	خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)
۳۳	دارالسلام
۳۳	داستان‌هایی از امام زمان علیه السلام
۳۳	داغ شقایق (مجموعه اشعار)
۳۳	در آسمان عشق
۳۳	در جستجوی نور
۳۳	ذخیره خدا
۳۳	ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور
۳۳	زمان و مکان دعا برای حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام
۳۳	سقا خود تشنه دیدار
۳۴	سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی
۳۴	سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام
۳۴	سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی
۳۴	شناخت حقوق و مراحم حضرت مهدی علیه السلام
۳۴	صفای دل
۳۴	ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه ادیان
۳۴	عریضه نویسی
۳۴	عطر یاس
۳۴	علی علیه السلام و پایان تاریخ
۳۴	فریادرس

- ۳۵ کرامات المهدی علیه السلام
- ۳۵ کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام
- ۳۵ کلمات قصار امام زمان علیه السلام
- ۳۵ کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد)
- ۳۵ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)
- ۳۵ گوهرهای ناب در کلام امام زمان علیه السلام
- ۳۵ مفرد مذکر غائب (نمایشنامه)
- ۳۵ مکیال المکارم (دو جلد)
- ۳۵ منجی موعود از منظر نهج البلاغه
- ۳۵ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات
- ۳۵ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی
- ۳۶ مهدی موعود در کلام پیامبر محمود
- ۳۶ مهدی موعود علیه السلام (دو جلد)
- ۳۶ مهر بیکران
- ۳۶ میثاق منتظران «۱» شرح زیارت آل یاسین سید مهدی حائری قزوینی
- ۳۶ ناپیدا ولی با ما (فارسی) ویژه دانش‌آموزان
- ۳۶ نامه‌های جوانان به امام زمان علیه السلام
- ۳۶ نامه‌های دختران به امام زمان علیه السلام
- ۳۶ نامه‌های نوجوانان به امام زمان علیه السلام
- ۳۶ نشانه‌های ظهور او
- ۳۶ نشانه‌های یار و چکامه انتظار
- ۳۶ نشانه‌هایی از مهدی علیه السلام
- ۳۷ نیاز جهان به امام زمان علیه السلام
- ۳۷ وظایف منتظران

- ۳۷ ویژگی‌های امام زمان علیه السلام
- ۳۷ هزار و یک نکته پیرامون امام زمان علیه السلام
- ۳۷ همراه با مهدی منتظر
- ۳۷ یاد مهدی علیه السلام
- ۳۷ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)
- ۳۷ پی نوشت ها
- ۳۷ ۵۲ تا ۱
- ۴۰ ۷۷ تا ۵۳
- ۴۲ ۱۰۸ تا ۷۸
- ۴۴ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مباحثی پیرامون حضرت مهدی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: صدر، محمدباقر عنوان و نام پدیدآور: مباحثی پیرامون حضرت مهدی (ارواحنا فداه)/ تالیف محمدباقر صدر؛ ترجمه لطیف راشدی، سعید راشدی؛ با تحقیق عالمانه عبدالجبار شراره. مشخصات نشر: قم مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری: ۷۹ص. شابک: ۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۴۹-۰ وضعیت فهرست نویسی: برونسپاری یادداشت: کتابنامه: ص. [۷۳] - ۷۵؛ همچنین به صورت زیرنویس. موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق - شناسه افزوده: راشدی، لطیف، مترجم شناسه افزوده: راشدی، سعید، مترجم شناسه افزوده: شراره عبدالجبار شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴ص ۲م ۱۳۸۷ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۰۶۲۸۸

مقدمه ناشر

حمد و ستایش بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، باری الخلائق اجمعين باعث الانبياء والمرسلين، رافع السموات و خافض الارضين، و الصلوة على من اختاره من شجرة الانبياء و مشكوة الضياء و مصاييح الظلمه و ينابيع الحكمة، مولانا و مولی الكونين، سيدنا و سيد العالمين، الروح المجسد و الجسد المروح أعلنی ابوالقاسم المصطفى محمدصلى الله عليه وآله و على اولاده الاطيين الانجيين و لعن الدائم على اعاديهم من الآن الى يوم الدين. حمد بی بدایت و سپاس بی نهایت سزاوار و شایسته ذاتی است که جهان تاریک را به انوار دانش روشن و صفحات قلوب را به ضیاء معرفت، مزین نمود. و درود فراوان بر سرور کائنات و خاتم الانبياء پیامبر اکرم و گرامی اسلام حضرت محمدصلى الله عليه وآله و بر خاندان مطهر و عترت پاکش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه دوازده گانه علیهم السلام.

اما بعد

پیرامون مقوله مهدویت، به برکت وجودی آن امام همام - ارواحنا فداه - به طور مقبول قلم فرسایی گردید. (سعیهم مشکور)، اما ابتکار، عالم و مجتهد مجاهد و فیلسوف و اندیشمند مبارز و انقلابی، مرجع عالیقدر و افتخار آفرین جهان تشیع استاد علامه حضرت آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر قدس سره در کتاب گران سنگ خود «بحث حول المهدی» مایه مباحثات و خرسندی می باشد. کتاب یاد شده در عین حجم کم آن، می توان آن را کتابی جامع و مانع و بسیار مبارک و پُر محتوا بشمار آورد. آن مرجع شهید سعی نموده تا در این کتاب، به شبهات و سؤالات عمده و مهم، پاسخ علمی، منطقی و متقن بدهد، و پاسخ گوی برخی شبهات زمان حیات مبارک خود باشد. قلم توانمند و منطقی علمی آن مرجع مجاهد، در زمینه های گوناگون فلسفی، منطقی، اقتصادی، تفسیری، کلامی و فقهی را می توان در تمام کتاب هایش به روشنی و وضوح مشاهده کرد و استفاده نمود. سر تا سر مطالب این کتاب، مسلح به منطق قوی و آموزه های علمی می باشد؛ اما در برگردان آن از عربی به پارسی، سعی شده تا عبارات و جملات و مطالب مغلق، روان و سلیس شوند و تقریباً برای همگان قابل استفاده باشد. به ویژه با تحقیق عالمانه و استادانه آقای «دکتر عبدالجبار شراره» و استخراج منابع و توضیح برخی مطالب در پانوش، امکان استفاده عامه فراهم شده و تعمیم گردیده است. بر خود واجب و لازم می دانم تا یادی از آن بزرگ مرجع مجاهد بنمایم و گوشه ای از زندگی سراسر برکت او را به قدر مقتضی بیان نمایم و خواهیم دید که چگونه آن مرد مجاهد و عالم و فقیه مبارز سراسر عمر پُر برکت خود را در راه خدمت به دین مقدس اسلام او اهل بیت علیهم

السلام سپری نمود و سرانجام در مسلخ عشق شهید شد و به استکبار، «آری» نگفت. او در اسلام ذوب شده بود و در واپسین حیات و زندگی پُر برکت خود فرمود: «در امام خمینی قدس سره ذوب شوید، همان سان که او در اسلام ذوب شد.» به امید آن که رهروی صادق و خالص آنان باشیم.

خلاصه زندگی نامه حضرت آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر قدس سره

اشاره

علامه شهید، آیت الله سید محمد باقر صدر، یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان مسلمان و به تعبیر امام خمینی: «مغز متفکر اسلامی» در تاریخ اسلام به ویژه در قرن چهاردهم هجری است. فقیهی جامع شرایط، فیلسوفی اجتماعی، مفسری بزرگ، متفکری آگاه به فرهنگ و علوم زمانش، نویسنده‌ای توانمند و پرکار و سیاست مداری هوشمند و شجاع و دردمند.

از میلاد تا مدرسه

سید محمد باقر صدر در تاریخ ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۵۳ در شهر مقدس کاظمین دیده به جهان گشود (۱) و دومین فرزند خانواده بود. اجدادش همه از عالمان دین بودند؛ پدرش سید حیدر که جوان مرگ شد، پدر بزرگش آیت الله العظمی سید اسماعیل صدر که یکی از مراجع بزرگ تقلید شیعه در نیمه اول قرن چهاردهم اسلامی بود و در سال ۱۳۳۸ هـ ق وفات کرد و دیگر اجدادش که شاخه‌هایی سرسبز و پر بار از شجره پربرکت «خاندان صدر» و از تبار غیرتمند و پاک امام کاظم علیه السلام بوده‌اند و در سرزمین ایران، لبنان و عراق از پاسداران فرهنگ و اندیشه و دانش و دین به شمار می‌رفته‌اند. برادر بزرگ و معلمش سید اسماعیل نیز از علما و مجتهدان پرتلاش و جوان نجف بود که در سال ۱۳۸۸ هـ ق در چهل و هشت سالگی درگذشت. خواهرش «آمنه بنت الهدی صدر» یکی از زنان دانشمند، شاعر، نویسنده و معلم فقه و اخلاق بود که در مسیر جهاد و مبارزه، با برادرش سید محمد باقر همگام شد و سرانجام سرنوشت هر دو به شهادت و سعادت ابدی ختم گشت. (۲) سید محمد باقر، از پنج سالگی به مدرسه رفت و تا یازده سالگی دوره ابتدایی را به اتمام رساند. در این دوران، نبوغ شگفت‌انگیز و استعداد سرشار خدادادی او درخشید و تعجب آموزگاران و همکلاس‌های خود را برانگیخت، به طوری که اولیای مدرسه تصمیم گرفتند او را به مدرسه کودکان تیزهوش و نابغه بگذارند تا به هزینه دولت درس بخواند و پس از طی مراحل لازم و قانونی، به دانشگاه‌های اروپا یا آمریکا اعزام کنند و در رشته‌های علوم جدید تحصیل کند و به کشور خود بازگردد. او به تحصیل علوم دینی و پرداختن به رشته کار پدرانش گرایش داشت و از طرفی مادر و برادر بزرگش رضایت ندادند که او با پول دولت وابسته به غرب و دست اندرکاران خود باخته آموزش و پرورش آن روز عراق، درس بخواند... بالاخره با راهنمایی دو دایی فقیه و دانشمندش آیت الله «شیخ محمد رضا آل یاسین» و آیت الله «شیخ مرتضی آل یاسین» به فراگیری دروس حوزوی و علوم دینی پرداخت. (۳) تحصیلات علوم دینی را با کتاب «معالم الاصول» نزد برادرش سید اسماعیل آغاز کرد و دیگر کتاب‌های دوره سطح حوزه را با شور و شوق و تلاش بسیار در مدتی کوتاه خواند و تمام کرد. او علاوه بر تحصیل، دروس ابتدایی را نیز به خواهرش بنت الهدی می‌آموخت و بنت الهدی بی آنکه به مدارس نامناسب دخترانه آن روز عراق پای بگذارد، نزد برادرش سید محمد باقر و گاه سید اسماعیل، قرآن، ادبیات، تاریخ، حدیث، فقه و اصول و... را آموخت. (۴)

در نجف اشرف، شهر امامت و فقاہت

در سال ۱۳۶۵ ه.ق که دوازده ساله بود به همراه برادرش سید اسماعیل به نجف اشرف رفت تا در محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه شهر امامت، به تحصیلات عالی بپردازد. او دوره عالی فقه و اصول را در نزد مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی و مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا آل یاسین گذراند. (۵) فلسفه اسلامی (اسفار ملاصدرا) را از مرحوم «شیخ صدرا بادکوبه‌ای» آموخت و در کنار آن، طی سال‌ها، فلسفه غرب و نظرات فلاسفه غیر مسلمان را به دقت مورد تحقیق و نقد قرار داد. (۶) کتاب «فلسفتنا» (فلسفه ما) گویای ابعاد گسترده اندیشه‌های فلسفی سید محمد باقر صدر است. در دیگر رشته‌های علوم حدیث، رجال، درایه، کلام و تفسیر نیز سال‌ها به تحصیل و تحقیق و مطالعه گذراند و به کمال رسید. سید محمد باقر در طول هفده - هیجده سال تحصیل (از آغاز تا پایان) علاوه بر استفاده از هوش و استعداد و نبوغ فوق العاده‌اش، روزانه حدود شانزده ساعت به تحصیل و مطالعه و مباحثه و تحقیق می‌پرداخت. (۷) و خودش نیز همیشه می‌گفته است که من به اندازه چند طلبه درس خوان، تلاش می‌کنم. در سایه این پشتکار جانانه بود که بر همه مشکلات فایق آمد و در کسب دانش و فضیلت به مقامی عالی دست یافت و گفته‌اند که از هنگام بلوغ شرعی، خود مجتهد شده بوده و از مجتهد دیگری تقلید نکرده است. (۸)

تعلیم و تربیت

سید محمد باقر از بیست سالگی با تدریس کتاب «کفایة الاصول» (۹) تعلیم و تربیت طلاب جوان را آغاز کرد. از بیست سالگی به تدریس دروس خارج فقه و اصول و از بیست و هشت سالگی به تدریس دوره خارج فقه بر اساس کتاب «العروة الوثقی» (۱۰) پرداخت. بعدها فلسفه و تفسیر قرآن نیز تدریس می‌کرد. او در طول نزدیک به سی سال تدریس و تعلیم، شاگردانی جوان، محقق، پرشور، متقی، متفکر، آگاه، مجاهد و سیاست مدار تربیت کرد، که هر یک از آن‌ها بعدها پرچمدار نشر علم و فرهنگ و آیین جهاد در راه خدا شدند و بعد از استادشان، راه علمی، فکری و سیاسی و اجتماعی او را ادامه دادند از جمله: ۱. سید محمد باقر حکیم ۲. سید محمود هاشمی ۳. سید کاظم حسینی حائری ۴. شیخ مهدی آصفی ۵. سید عبدالغنی اردبیلی ۶. شیخ غلامرضا عرفانیان و... (۱۱)

حزب دعوت اسلامی

بعضی از عالمان آگاه و روشن بین از جمله شهید سید محمد مهدی حکیم، سید طالب رفاعی، شیخ مهدی سماوی، پس از مطالعه اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق، به این نتیجه رسیده بودند که باید حزبی را مبتنی بر اندیشه و ایدئولوژی اسلامی تأسیس کنند، تا بتوانند مبارزات مسلمانان آن سامان را سر و سامان بدهند و به اهداف خود نائل آیند. پس از مطرح کردن این اندیشه با آیت الله صدر، «حزب الدعوة الاسلامیه» (حزب دعوت اسلامی) را در سال ۱۳۷۷ ه.ق تأسیس کردند. (۱۲) آیت الله صدر اساس نامه‌ای را نیز بر اساس اعتقادات دینی برای حزب دعوت تنظیم کرد. حزب دعوت به فعالیت خود پرداخت، آیت الله سید محمد باقر صدر پنج سال بعد از تأسیس حزب، بنا به مصالحی خود را از آن کنار کشید. اما به دیگر اعضای حزب توصیه کرد که به کار خود ادامه دهند و او نیز پشتیبان آنان خواهد بود. (۱۳)

جماعه العلماء

در سال ۱۹۵۸ م. «عبدالکریم قاسم» با ظاهری پیشرو و چپ نما به حکومت عراق رسید و میدان را برای کمونیست‌ها باز کرد. در نتیجه آن، موجی الحادی و مخالف اسلام، سرزمین عراق را فرا گرفت. حوادث دوران حکومت عبدالکریم قاسم، عالمان آگاه و متعهد شیعه را در آن کشور به حرکت وا داشت. آنان ضروری دیدند که برنامه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فکری مکتب اسلام

را هماهنگ با نیازهای حیات بشر معاصر عرضه نمایند. بدین گونه، تشکیل «جماعه العلماء فی النجف الاشرف» (جامعه روحانیت نجف اشرف) پدید آمد و عالمان بزرگی همچون شیخ مرتضی آل یاسین، شیخ محمد رضا آل یاسین، شیخ محمد رضا مظفر و شهید سید مهدی حکیم (فرزند آیت الله سید محسن حکیم) از اعضای اصلی آن بودند. سید محمد باقر صدر در آن زمان گرچه به خاطر جوان بودن نسبت به سایر اعضا، که کمتر از سی سال داشت، عضو جماعه العلماء نبود، ولی با آنان همکاری جدی داشت و حتی نخستین بیانیه جماعه العلماء را نیز او نوشت! و اکثر نوشته‌های آنان به قلم او نوشته می‌شد؛ زیرا وی قلمی توانا و نثری محکم و نو داشت و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و فلسفی او نیز وسیع‌تر از دیگران بود. انتشار مجله «الاضواء» در سال ۱۹۶۱ م مهم‌ترین فعالیت فرهنگی جماعه العلماء بود که سرمقاله‌های پنج شماره اول آن تحت عنوان «رسالتنا» به قلم آیت الله سید محمد باقر صدر نگارش یافت و خواهرش بنت الهدی نیز در این مجله مقالات خود را به چاپ می‌رساند. (۱۴) همزمان با این فعالیت‌ها، به پیشنهاد مرحوم آیت الله سید محسن حکیم - مرجع تقلید وقت - کتاب کم‌نظیر «فلسفتنا» را تألیف کرد. (۱۵) این کتاب در دو بخش تنظیم شده است: بخش اول: نظریه شناخت (معرفت) از دیدگاه‌های فلاسفه معاصر، در مقایسه با فلسفه اسلامی. بخش دوم: بینش فلسفی اسلام درباره جهان و نقد و ردّ جهان بینی مادی و الحادی. از آن پس به بررسی نظام‌های اقتصادی اسلامی و مکاتب شرق و غرب (سوسیالیسم و کاپیتالیسم) پرداخت که حاصل این تحقیق عمیق و بی‌سابقه، کتاب «اقتصادنا» (اقتصاد ما) شد. این کتاب پراچ نخستین اثری است که سیستم اقتصادی اسلام را در طرحی علمی و محققانه ارائه کرده و دو بخش است: بخش نخست: در این بخش مکتب‌های اقتصادی شرق و غرب را بررسی کرده و به محک نقد روشن بینانه و عالمانه زده و مردود و فاقد ارزش دانسته است. بخش دوم: طرح تفصیلی سیستم اقتصادی اسلام. این کتاب در سال ۱۳۸۱ ه.ق به چاپ رسید. (۱۶)

حمایت از امام

سید محمد باقر صدر، نهضت امام خمینی در ایران را روزنه امیدی برای نجات امت اسلامی می‌دانست. بنابراین از آغاز نهضت اسلامی امام در سال (۱۳۴۲ ه.ش)، آن را تحت نظر داشت و از امام و حرکتش حمایت می‌کرد. در تاریخ ۹ جمادی الثانی ۱۳۸۵، حضرت امام خمینی از تبعیدگاه ترکیه به نجف اشرف منتقل شد. ورود امام به حوزه علمیه نجف، جنب و جوشی در آن ایجاد کرد. علما و روحانیون نجف درباره استقبال از امام، نظرات مختلفی داشتند. آیت الله صدر با اشتیاق تمام به همراه عده‌ای از علمای دیگر، در مراسم استقبال از امام شرکت، و شاگردان و همفکرانش را نیز به آن دعوت کرد... در تمام چهارده سال اقامت امام در نجف، سید محمد باقر با ایشان ارتباط نزدیکی داشت و به او عشق می‌ورزید، عشقی که تا آخر عمر در بین او و امام بود. (۱۷)

دوران مرجعیت

دوران مرجعیت آیت الله سید محمد باقر صدر، پس از وفات آیت الله حکیم (۱۳۹۰ ه.ق) آغاز شد و بسیاری از مردم عراق از او تقلید کردند. (۱۸) در سال ۱۳۹۲ ه.ق رژیم بعث عراق، بیش از پیش از تحریک‌های ضد استبدادی حزب دعوت اسلامی و دیگر گروه‌های مبارز و مسلمان به وحشت افتاد، بنابراین با یورش به خانه‌های مبارزان و مجاهدان، عده زیادی را دستگیر و زندانی کردند. آیت الله صدر نیز با اینکه بیمار بود و در بیمارستان نجف بستری شده بود، تحت نظر مأموران سازمان امنیت رژیم بعث قرار گرفت. تا اینکه با اعتراض مردم و علما، سازمان امنیت دست از او برداشت. (۱۹) در سال ۱۳۹۴ ه.ق رژیم بعث عراق، پنج تن از شاگردان و مریدان صدر، یعنی شیخ عارف بصری، سید عزّ الدین قبنجی، سید عماد الدین طباطبایی تبریزی، حسین جلوخان و سید نوری طعمه، را دستگیر و اعدام کرد! این گروه شهیدان، طلایه دار شهدای انقلاب اسلامی عراق بودند. این حادثه اثر ناگوار و سنگینی بر روح آیت الله صدر گذاشت و مدت‌ها به سختی متأثر و بیمار بود. از حوادث مهم دیگر در دوران مرجعیت آیت الله

صدر، حرکت اربعین سال ۱۳۹۷ بود. مردم نجف از قدیم هر سال در روز اربعین حسینی، مویه کنان و عزادار، با پای پیاده از نجف تا کربلا- راهپیمایی می‌کنند. در آن سال، آیت الله صدر هر چه در توان داشت به هیئت‌های عزادار مساعدت کرد تا مراسم شورانگیز اربعین را هر چه باشکوه‌تر برگزار نمایند. آن روز ده‌ها هزار نفر در قالب عزاداران حسینی، اعتراض خود را علیه سلطه ضد انسانی رژیم بعث عراق، اعلام کردند. به دنبال آن قیام تاریخی، آیت الله صدر، را دستگیر و به سازمان امنیت بغداد منتقل کردند، در آنجا پس از بازجویی، هشت ساعت تحت شکنجه جسمی و روحی قرار دادند. آثار آن شکنجه‌ها، تا آخر عمر در بدنش هویدا بود و به سختی می‌توانست از پله‌ها بالا برود. (۲۰)

تحریم پیوستن به حزب بعث

یکی از برنامه‌های خطرناک رژیم بعث عراق، «بعثی کردن نظام آموزش و پرورش» بود. به همه دست‌اندرکاران امور تعلیم و تربیت از مدارس گرفته تا دانشگاه‌ها تکلیف کردند که به حزب بعث عراق پیوندند و برنامه‌های ضد اسلامی آن را در تمام سطوح آموزش کشور اجرا کنند. در این هنگام، آیت الله صدر در مقام مرجعیت و یگانه پرچمدار مبارزه با حزب کافر بعث، با صدور فتوایی، پیوستن به حزب و هر گونه همکاری با آن را تحریم کرد. این فتوا، تکلیف مردم را روشن ساخت و مردم از پیوستن به حزب و عضویت در آن پرهیز کردند. جز اندکی فرومایه و بی‌دین و ترسو. تأثیر فتوای آیت الله صدر به حدی بود که یکی از مسؤولان حزب در این باره اعتراف کرد: فتوای سید محمد باقر، همه نقشه‌های ما را نقش بر آب کرده و هیچ کس، جز عده کمی ترسو و بزدل، از پذیرفتن عضویت حزب و همکاری با آن استقبال نکرد. (۲۱) بدین گونه حزب بعث، دشمن اصلی خود را شناخت.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی

آیت الله صدر، از حامیان صادق امام خمینی و انقلاب اسلامی بود، امام در پاریس بود که سید محمد باقر صدر، طی نامه‌ای پشتیبانی خود را از ایشان و ملت انقلابی ایران اعلام و از مقام شهدای انقلاب، تجلیل کرد. همین فعالیت‌های او بود که ملت مسلمان عراق را به سوی حمایت از مردم ایران سوق می‌داد و رژیم آمریکایی صدام حسین - حاکم خونخوار عراق - را خشمگین می‌کرد. در شب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که شب پیروزی شکوهمند مردم مسلمان و انقلابی ایران به رهبری امام خمینی قدس سره بر طاغوت آمریکایی - رژیم محمد رضا پهلوی - بود. آیت الله صدر در مسجد جواهری نجف اشرف به منبر رفت و برای مردم مسلمان عراق از انقلاب اسلامی ایران و نقش امام خمینی در احیای اندیشه‌های دینی و اصلاح امت اسلام، سخن گفت و تکلیف مردم عراق را در برابر حکومت ضد دینی بعثی، معین کرد: قیام! قیام!... فردای آن شب، مردم عراق به دعوت رهبر خود، برای حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام خمینی قدس سره، در بسیاری از شهرهای عراق راهپیمایی کردند. (۲۲) از دیگر کارهای آیت الله صدر، در جهت حمایت از انقلاب اسلامی ایران، تألیف سلسله کتاب‌های «الاسلام یقود الحیاء» در شش جلد بود که شامل بحث‌هایی نظیر: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منابع قدرت دولت اسلامی، اقتصاد جامعه اسلامی و... می‌شود.

با قرآن در صحنه

از کارهای شگفت‌انگیز آیت الله صدر برای بیداری مردم عراق و آماده کردن آنها برای قیام و حرکت در مقابل حکومت جائز آن کشور، برگزاری تفسیر موضوعی قرآن بود. آن هم بعد از تعطیل کردن درس خارج فقه! در حوزه علمیه نجف کمتر دیده شده بود که یک مرجع تقلید تفسیر قرآن بگوید؛ آن هم به جای درس خارج فقه، که این بیشتر مایه تعجب دیگران می‌شد. به طوری که برخی از شاگردان او، در این باره از وی سؤال کردند او جواب داد: «برای من تدریس و تألیف و تحقیق، صورت حرفه و هدف در

زندگی ندارد، بلکه ادای وظیفه شرعی به هر نحو ممکن برای من از همه چیز مهم تر است. امروز در این برهه از تاریخ اسلام و مسلمین، که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی پیروز شده و پوزه قدرت‌های شیطانی شرق و غرب را به خاک مالیده و امت اسلام را در سرتاسر دنیا بیدار کرده است، من وظیفه خود می‌دانم که با تفسیر قرآن، افکار مردم مسلمان عراق را آگاه و آرمان‌های انقلابی اسلام را مطرح نمایم و با بیان مفاهیم شور آفرین، حماسی و اجتماعی قرآن کریم، دل‌ها را برای پیوستن به انقلاب اسلامی ایران آماده کنم... از طرفی، درس خارج فقه و اصول، بیش از حد لازم در حوزه گفته می‌شود، اما جای تفسیر قرآن سخت خالی است! (۲۳) درس تفسیر شهید صدر هر هفته دو روز از تاریخ ۱۷ جمادی الاول تا ۵ رجب ۱۳۹۹ طی چهارده جلسه برگزار شد. (۲۴) که بعد از آن رژیم طاغوتی صدام حسین از ترس بیداری مردم، درس تفسیر بیدار گونه آیت الله صدر را به تعطیلی کشاند. درس تفسیر قرآن جنب و جوشی در میان توده مردم به وجود آورده بود. حکومت ظالمانه صدام از این پدیده خجسته اسلامی، به وحشت افتاد و برای جلوگیری از هر گونه تحرک، در یک یورش وحشیانه، همه نمایندگان آیت الله صدر را در تمام شهرهای کشور دستگیر و زندانی کرد. شهید صدر روز ۱۶ رجب ۱۳۹۹ ه.ق را روز اعتراض و اظهار انزجار از اعمال ظالمانه رژیم اعلام کرد. مردم به اطاعت رهبر و مرجع تقلید خود برخاستند، دست از کارهای خود کشیدند، بازارها را تعطیل کردند و برای بیعت با رهبرشان به خانه او شتافتند... همان شب آیت الله صدر دستگیر و روانه بغداد شد. در سازمان امنیت بغداد، از او خواستند که دست از پشتیبانی انقلاب اسلامی بردارد و مردم عراق را تحریک نکند. اما شجاعانه جواب داد. «من یک مسلمانم و در برابر سرنوشت همه مسلمانان جهان - و نه تنها عراق و ایران - مسؤول هستم و باید به وظیفه شرعی خود عمل کنم و وظیفه شرعی منحصر به ایران و عراق نیست. حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن هم، یک وظیفه شرعی است!» (۲۵) همان روز بنت الهدی، به ایراد یک سخنرانی در حرم امام علی علیه السلام پرداخت و از مردم خواست که به خیابان‌ها بریزند و در مقابل دستگیری آیت الله صدر، به رژیم بعثی اعتراض کنند. همین گونه نیز شد و رژیم برای ایجاد آرامش و جلوگیری از گسترش اعتراض مردم، مجبور شد که آیت الله صدر را آزاد کند. (۲۶)

شهادت

روز ۱۸ رجب ۱۳۹۹ ه.ق، خانه آیت الله صدر و کوچه‌های اطراف آن از اول صبح تا پاسی از شب، مملو از جمعیتی بود که دیروز برای آزادی رهبرشان دست به تظاهرات اعتراض آمیز زده بودند و امروز آمده بودند تا بار دیگر با او بیعت کنند. رژیم ستم پیشه صدام حسین، از تجدید پیمان امت مسلمان عراق با مرجع و رهبرشان، سخت به وحشت افتاد و برای قطع رابطه مردم با آیت الله صدر، نیروهای امنیتی را در سر کوچه آیت الله صدر و کوچه‌های اطراف، مستقر کردند. بدین گونه محاصره نه ماهه خانه آیت الله صدر آغاز شد. (۲۷) در مدت نه ماه محاصره، رژیم با فرستادن مأموران و مزدوران خود به نزد آیت الله صدر، سعی کرد او را از راهی که در پیش گرفته، منصرف کند، ولی آیت الله صدر ثابت و استوار ایستاد و همچنان از انقلاب اسلامی ایران و امام و مردم انقلابی ایران حمایت کرد و هرگز به خواسته‌های رژیم خونخوار صدام، گردن نهاد. (۲۸) تا اینکه در بعد از ظهر گرم و سوزان روز شنبه ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۰ (۱۶ فروردین ۱۳۵۹)، «ابوسعید» رئیس سازمان امنیت نجف، با عده‌ای از مزدوران امنیتی، آیت الله صدر را دستگیر و به سرعت از نجف به بغداد منتقل کرد. آیت الله صدر این بار می‌دانست که دیگر بر نخواهد گشت، چون وقتی ابوسعید جنایتکار گفت: «آماده باشید به بغداد برویم!» به آرامی گفت: «من خیلی وقت است که آماده شهادتم!» فردای آن روز، حکومت جبار بغداد، اقدام به دستگیری بنت الهدی کرد، چون بیم داشت مبادا بنت الهدی بار دیگر مردم را به اعتراض و تظاهرات دعوت کند و رژیم را رسوا نماید! «برزان ابراهیم»، برادر ناتنی صدام و رئیس سازمان امنیت کشور، در زندان از آیت الله صدر خواست که فقط چند کلمه بر ضد امام خمینی و انقلاب اسلامی بنویسد، تا آزاد شود و گرنه کشته خواهد شد! آیت الله صدر این

خواستہ آن آدمکش را رد کرد و گفت: «من آماده شهادتم، هرگز خواسته‌های غیر انسانی و ضد دینی شما را قبول نخواهم کرد و راه من همان است که انتخاب کردم!...» (۲۹) وقتی که مزدوران بعثی، از منصرف کردن آیت الله صدر و خواهرش مایوس شدند، آن دو علوی پاک نژاد مظلوم را در روز سه شنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۴۰۰ ه. ق (۱۹ فروردین ۱۳۵۹ ه. ش) زیر شکنجه به شهادت رساندند. جنازه آن دو شهید در جوار مرقد امام علی علیه السلام در آرامگاه خانوادگی «شرف الدین» به خاک سپرده شد. (۳۰) امام خمینی، در پیامی که به مناسبت شهادت مظلومانه آن دو شهید داد، سوگ‌مندانه نوشت: «.. مرحوم آیت الله شهید سید محمد باقر صدر و همشیره مکرمه مظلومه او که از معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بود، به دست رژیم منحط بعث عراق با وضع دلخراشی به درجه رفیعہ شهادت رسیده‌اند. شهادت ارثی است که امثال این شخصیت‌های عزیز از موالیان خود برده‌اند...» (۳۱)

باقیات صالحات

آثار قلمی متفکر بزرگ، شهید سید محمد باقر صدر، همه علمی، تحقیقی، ابتکاری، کم نظیر و مورد استفاده و مراجعه اندیشمندان و اهل علم و مصداق روشن «باقیات صالحات» است. در اینجا به معرفی فهرست گونه این آثار درخشان می‌پردازیم: ۱. فدک فی التاریخ (فدک در تاریخ). ۲. غایة الفکر فی علم الاصول. ۳. فلسفتنا (فلسفه ما). ۴. اقتصادنا (اقتصاد ما). ۵. الاسس المنطقیه للاستقراء. ۶. المعالم الجدیدة للاصول. ۷. بحوث فی شرح العروة الوثقی. ۸. دروس فی علم الاصول، معروف به «حلقات». ۹. الفتاوی الواضحہ، رسالہ عملیہ شهید صدر است که در نوع خود سبک خاصی دارد. ۱۰. البنک اللاربوی فی الاسلام (بانک بدون ربا در اسلام). ۱۱. المدرسه الاسلامیة، بحث‌های اجتماعی و اقتصادی است. ۱۲. بحث حول المهدی علیه السلام. ۱۳. بحث حول الولایة. ۱۴. الاسلام یقود الحیة (اسلام راهنمای زندگی). ۱۵. المدرسه القرآنیة، درس‌های تفسیر موضوعی قرآن. ۱۶. دور الائمة فی الحیة الاسلامیة (نقش امامان در اسلام). ۱۷. نظام العبادات فی الاسلام (نظام عبادی از نظر اسلام). ۱۸. حاشیہ بر رسالہ عملیہ آیت الله شیخ مرتضی آل یاسین، تحت عنوان «بلغه الراغبین» که هنوز هم چاپ نشده است. ۱۹. حاشیہ بر «منهاج الصالحین» آیت الله حکیم. ۲۰. حاشیہ بر مناسک حج آیت الله خوئی. ۲۱. حاشیہ بر بخش نماز جمعه از کتاب شرائع الاسلام. ۲۲. موجز احکام الحج، مختصری از احکام حج. ثواب این کتاب به روح بزرگ و مطهر آن مرجع تقلید و فیلسوف فرزانه اهدا می‌نماییم، به امید آن که در روز حشر و نشر از شفاعتش بهره‌مند گردم. نیز به امید خشنودی مولایمان حجت بن الحسن امام زمان - ارواحنا فداه - و گوشه چشمی که؛ «يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَأَهْلُنَا الضُّرُّ فَجِئْنَا بِبَصْمَةٍ مُزْجِيَةٍ فَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا وَ أَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين. قم مقدسه العبد: لطيف مطوف راشدي

طرح پرسش‌هایی درباره تفکر مهدویت

توضیح

جریان مهدویت، تنها یک ایدئولوژی، تفکر و اندیشه اسلامی نیست که از نظر آموزش دینی مورد توجه قرار گیرد و تلقین‌های دینی، آن را در افکار مردم جای دهد؛ بلکه این جریان، یک الهام فطری (۳۲) است که در مقابل عقاید و تفکرات دیگران، ایام و روزهای وعده داده شده درخشان برای تمام مردم مجسم می‌کند تا در آن، تمام ادیان الهی با همه ابعادشان محقق شوند؛ نیز هدف و آرمان نهایی آن است که این جریان پس از سختی و تلاش‌های طولانی در طول تاریخ در مسیر مطمئن خود قرار می‌گیرد. جریان مهدویت، فقط یک تفکر دینی که در اذهان انسان‌های دیندار وجود داشته باشد، نیست؛ بلکه این جریان در افکار مادیون و کسانی که افکار غیبی را قبول ندارند و همیشه، تاریخ را بر اساس همین تناقضات تفسیر می‌کنند، وجود دارد. (۳۳) در آن روز، تمام این

تناقضات بر طرف می‌شود و صلح و امتیّت در آن، حکومت خواهد کرد. این چنین تجربه‌های شخصی که در طول تاریخ با انسان‌ها همراه بوده به صورت تجاربی وسیع و تعمیم یافته، بین انسان‌ها مطرح می‌شود. این الهام و شعور باطنی که در تمام مردم وجود دارد از روشن‌ترین الهامات بشری است و زمین بعد از آنکه از ظلم و جور پر شد، توسط یکی از اولیا الهی پر از عدل و داد می‌شود (۳۴).

زمانی که قرار باشد این الهام فطری مورد تأیید دین و ایمان قرار گیرد و عقیده مذهبی که مستقیماً به خداوند منسوب است، این تفکر و شعور را در ذهن به عنوان یک یقین و باور کامل پی‌ریزی کند و این حقیقت را با کمال صراحت تأکید کند که زمین در آخرین روزهای خود از عدل و داد پر می‌شود. در این موقع این شعور باطنی به شکل یک ایمان مستحکم، سرنوشت انسان‌ها را روشن می‌کند. اثر ایمان و یقین فقط این نیست که انسان‌ها را در مقابل سختی، درد و مشکلات تسلی دهد و نگرانی را تبدیل به آرامش کند؛ بلکه باید گفت که در مقابل ناراحتی و ناامیدی ای که در مردم وجود دارد، یاری دهنده مظلومان و مردم را آماده قبول کردن تمام ظلم و ستم‌ها نماید. ایمان به جریان مهدویت، عامل تقویت‌کننده و نیرو دهنده‌ای است که نیروی مقاومت و ایستادگی را در دل مظلومان به وجود می‌آورد و از خاموش شدن مشعل انتقام مظلومان و گردباد ناامیدی، جلوگیری نماید. این جریان که با اعتقاد دینی آمیخته است، ثابت می‌کند که در آینده، جریان عدالت‌گرا می‌تواند با ظالمان درگیر شود و پایه‌های ظلم را نابود کند و جهان جدیدی بسازد. هر چقدر ظلم و ستم در جهان فراگیر شود و بر مقدرات تسلط یابد، بالاخره باید روزی از بین برود و هر چقدر توانا باشد مانند ظلم، یک جریان غیرطبیعی است. (۳۵) این سیر، آرزوی هر انسان و ملت مظلومی است که چه زمانی می‌رسد تا در جهان، تغییرات سالم صورت گیرد و بنای ظالمانه جهان از نو ساخته شود. تفکر مهدویت از اسلام جلوتر و وسیع‌تر است و نقش اسلام در دگرگونی چنین تفکری بسیار خوب بوده است؛ چون اسلام توانست تفکر مهدویت را که در ابتدا، نیروی عدالت‌گرای ناشناخته‌ای بود که ظلم را از جهان ریشه کن می‌کرد به یقین و باوری صددرصد در آورد و منجی بشریت را با تمام خصوصیاتش به همه شناساند و مردم به این مطلب رسیدند که منجی آینده، در حال حاضر هم وجود دارد و او نیز هم گام و هم صدا با مردم برای ایجاد دگرگونی و گسترش عدالت در جهان، لحظه شماری می‌کند. اسلام، مهدی علیه السلام را یک تفکر حقیقی که باید در آینده یافت شود و همچنین به عنوان یک حقیقت مجهول که باید تازه شکل گیرد و به وجود آید، معرفی نمی‌کند؛ بلکه اسلام، مهدی علیه السلام را به عنوان یک حقیقت زنده معرفی می‌کند که منتظر قیام او هستیم و او فرد شناخته شده‌ای است که در کنار ما زندگی می‌کند و برای تمام ناراحتی‌ها، مشکلات، جنگ‌ها، ظلم‌ها و جنایت‌ها که در جای جای جهان رخ می‌دهد، ناراحت و غمگین می‌شود و منتظر روزی است که دست هر مظلومی را بگیرد (۳۶) و ظالمان را از بین ببرد. ولی تقدیر الهی این گونه است که این رهبر خودش را به مردم معرفی نکند و بر خلاف اینکه در همین جهان زندگی می‌کند، رازش را برملا نکند و همراه دیگران، منتظر آن روز موعود باشد. روشن است که تفکر اسلامی به وجهی که گفته شد، فاصله بین تمام مظلومان جهان و مهدی علیه السلام را نزدیک‌تر کرده و پلی را که بین این دو است را کوتاه‌تر خواهد کرد، حتی اگر این انتظار طولانی‌تر شود. اعتقاد به مهدی علیه السلام به گونه‌ای که اسلام آن را معرفی کرده که او انسان زنده‌ای است و همانند ما زندگی می‌کند و همانند ما منتظر آن روز است، اعتقاد عدم پذیرش ظلم و ستم را به صورت دایم و کامل به ما می‌بخشد که این تفکر را در چهره ظلم ستیز او مجسم کنیم. مهدی علیه السلام به زودی ظهور می‌کند و پیمان هیچ ظالمی را به گردن ندارد؛ (۳۷) پس ایمان به او، نشانه عدم قبول ظلم و هم صدایی با اوست. به همین سبب در احادیث، انتظار فرج توصیه شده، انتظار فرج، عاملی است که تفکر ظلم ستیزی و نیز رابطه مردم منتظر با رهبری را تقویت می‌کند و باعث زنده شدن تفکر ظلم ستیزی در اذهان مردم می‌گردد؛ البته این ارتباط بین مردم مظلوم و رهبر انتقام گیرنده در صورتی ممکن می‌شود که مردم، رهبر خود را زنده و شاهد در میان خود ببینند. (۳۸) اعتقاد به زنده بودن مهدی علیه السلام نیرویی در مردم منتظر به وجود می‌آورد که هر گاه مردم به این مطلب برسند که رهبرشان شاهد مظلومیت، ناکامی، سختی و شکنجه‌های آنان است و با آنها هم دردی می‌کند، موجب آرامش و کمتر شدن ناراحتی‌هایشان را فراهم

می‌آورد. اما اکنون، اعتقاد به زنده بودن مهدی علیه السلام باعث شده است که عده‌ای از انسان‌های کوتاه فکر نتوانند چنین تفکری را هضم کنند و اصل مسئله گسترش عدالت در جهان، توسط منجی را منکر شوند. (۳۹) آنها می‌پرسند: مهدی علیه السلام که تا به حال ده‌ها قرن زندگی کرده و شاید قرن‌های دیگری زندگی کند، چگونه می‌شود که برخلاف قوانین طبیعت چنین عمر طولانی داشته باشد؟ همچنین می‌پرسند: چرا خداوند، منجی بشریت را ده‌ها قرن قبل به دنیا آورد تا برای اصلاح جهان زنده نگاه دارد؟ آیا ممکن نبود که هرگاه جهان، صد در صد آماده پذیرش شد، همان زمان فردی را به دنیا آورد و به او قدرت بدهد که جهان را پر از عدل و داد کند؟ (۴۰) همچنین می‌پرسند: مهدی علیه السلام فرزند امام یازدهم علیه السلام است. (۴۱) وی در سال ۲۵۶ هجری به دنیا آمد (۴۲) و پدرش در سال ۲۶۰ هجری از دنیا رفته؛ یعنی او در زمان مرگ پدرش چهار یا پنج سال بیشتر نداشته است. این سن برای رهبری صلح جهانی، کم می‌باشد و پدرش نیز نبوده تا او را برای چنین کاری آماده کند؛ (۴۳) چگونه او از نظر دینی، فکری و عملی برای چنین کار بزرگی آماده شده است؟! همچنین می‌پرسند: چگونه رهبری که قدرت دارد و می‌تواند جهان پر از ظلم و فساد را پر از صلح و آرامش کند؛ چرا زودتر قیام نمی‌کند تا مردم جهان کمتر سختی بکشند؟ (۴۴) همچنین می‌پرسند: فرض کنیم که چنین چیزی امکان دارد؛ ولی آیا می‌توان حقیقتی را بدون دلیل عقلی و شرعی قبول کرد و تنها به چند حدیثی که از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده، کفایت کرد؟ (۴۵) همچنین می‌پرسند: چگونه یک نفر می‌تواند این همه تغییرات در سطح جهان به وجود آورد؟ چون او هر چقدر هم که بزرگ باشد، نمی‌تواند تاریخ را بسازد؛ زیرا تاریخ بر اساس یک سری مقدمات پنهان و حلّ درگیری‌های اجتماعی شکل می‌گیرد؛ ولی فرد برجسته، مورد انتخاب سیر تاریخ قرار می‌گیرد که اتفاقات جهان به دست او انجام می‌شود. (۴۶) نیز می‌پرسند: این فرد از چه طریقی می‌تواند با تمام حکومت‌های باطل و ظالم روبرو شود تا در عمق تمام ملت‌ها نفوذ کند و به شکل دائمی مالک تمام هستی مردم جهان شود و آنها را از بین ببرد و در برابر تمام قدرت‌های علمی، سیاسی، اجتماعی و نظامی پیروز شود؛ او با کدام قدرت می‌تواند، چنین کاری را انجام دهد؟ (۴۷) این مسائل و اشکالاتی که در اذهان منکران جای گرفته و بر زبان جاری می‌کنند و قیل و قال به راه می‌اندازند؛ البته این گونه حرف‌ها نتیجه پژوهش‌های فکری نیست؛ بلکه این تفکرات منشأ روانی نیز دارد و آن این است که آنها به سبب هیبت و عظمت ظلم و ظالمان و ناامیدی از شکست دادن آنها، چنین تفکراتی دارند. آنها، ظالمان و استعمارگران را قدرتمند می‌بینند و قدرت آنها به حدی در چشم و مغزشان جای گرفته که تصور از بین رفتن آنها برایشان محال است و به همین سبب سخنانی که در مورد شکست ظالمان می‌شنوند، باور نمی‌کنند و همین امر باعث شده که آنان چنین تفکراتی داشته باشند و به راحتی عقاید مهدویت را رد کنند. در این کتاب پرسش‌های بالا را بررسی می‌کنیم.

۱. چگونه می‌شود که مهدی علیه السلام عمر طولانی داشته باشد؟

چگونه می‌شود که انسان، قرن‌ها زندگی کند؟ اگر مهدی علیه السلام مصلح جهانی باشد، او در حال حاضر ۱۱۰۰ سال عمر دارد و به این مطلب اعتراف کرده‌ایم که او حدود چهارده برابر انسان‌های معمولی عمر کرده است. در مورد هر امکانی می‌توان در سه بعد سخن گفت: (۱) امکان عملی (۲) امکان علمی (۳) امکان منطقی یا فلسفی امکان عملی؛ یعنی اینکه وقوع موضوعی ممکن و طبیعی باشد و محقق هم بشود؛ مثلاً - گردش در اطراف کره زمین و فرو رفتن در اعماق دریاها و سفر به کره ماه، اتفاق افتاده و امکانی عملی است. امکان علمی؛ یعنی موضوعی که از لحاظ علمی قابل انجام دادن باشد؛ ولی در خارج، امکان وقوع آن نباشد؛ مثل: سفر به مریخ که از لحاظ علمی امکان‌پذیر است؛ ولی به علت نبود امکانات و وسایل مورد نظر تا به حال انجام نشده و ممکن است زمانی این مشکلات حل شود؛ اما سفر به سیاره خورشید، نه تنها از لحاظ علمی، بلکه از لحاظ علمی نیز امکان‌پذیر نیست؛ به این علت که هنوز امکان ساخت وسایل و ابزاری که بتوان با آن به خورشید سفر کرد، وجود ندارد؛ از طرف دیگر هیچ وسیله‌ای تحمل

مقاومت در برابر گرما و حرارت خورشید را ندارد. «امکان منطقی یا فلسفی»، این است که امکان وجود حقیقتی در دنیا غیر ممکن نباشد و هر موضوعی که امکان وجود آن بر اساس قوانین عقلی که تجربه شده است، محال به نظر نرسد؛ مثلاً: تقسیم کردن سه پرتقال به دو قسمت مساوی، بدون اینکه هیچ یک از پرتقال‌ها نصف شود، یک موضوع محال و غیر ممکن فلسفی است؛ زیرا عدد سه فرد و به دو تقسیم کردن، زوج است. لازمه تقسیم کردن سه بدون نصف کردن به دو، این است که عدد سه، هم زوج و هم فرد باشد و این از لحاظ قوانین فلسفی غیر ممکن است؛ ولی نسوختن بدن انسان با آتش، غیر ممکن فلسفی نیست و وقوع آن از لحاظ قوانین فلسفی، امکان پذیر است؛ این موضوع برخلاف تجربه انسانی است که هر آنچه حرارتش بیشتر باشد در چیزی که حرارت کمتری دارد اثر می‌گذارد؛ پس با این توضیحات به این نتیجه می‌رسیم که امکان منطقی وسعتش از امکان علمی و امکان عملی وسعتش از امکان عملی بیشتر است. شکی نیست که طولانی شدن عمر انسان به هزاران سال، از لحاظ فلسفی موضوعی ممکن است. این موضوع مستلزم یک محال عقلی از قبیل تضاد یا تناقض نیست تا اینکه بگوییم از لحاظ قوانین فلسفی محال است. نمی‌شود گفت که معنی حیات، زنده بودن است که به زودی به مرگ منتهی می‌شود و نمی‌شود گفت: سرعت مرگ و یا مرگ زودرس داخل معنی حیات است؛ پس چون طول عمر مستلزم حیات و زندگی‌ای است که دیرتر مرگ را به همراه دارد و در طول عمر تناقض به وجود می‌آید، به صورتی که در معنی طولانی شدن عمر دو تناقض حاصل شود: ۱. «حقیقت حیات» ۲. «دیررس بودن مرگ»؛ در معنی حیات، زودرس بودن مرگ وجود دارد که برخلاف دیررس بودن مرگ است. بنابراین در مفهوم طول عمر، اجتماع نقیضین وجود دارد که آن هم غیر ممکن می‌باشد. اما این گونه نیست؛ چون زندگی مادی یعنی زنده بودن که در نهایت به مرگ ختم می‌شود، ولی زودرس بودن، به آن معنا نیست. امکان عملی طولانی شدن عمر انسان غیر ممکن است. ما در عصری زندگی می‌کنیم که انسان تا قعر اقیانوس‌ها می‌رود و پای بر کره ماه می‌گذارد؛ ولی نمی‌تواند وسیله‌ای اختراع کند تا عمر یک فرد هشتاد ساله را به هزار سال برساند، و گرنه تمام سرمایه داران و حاکمان تمایل دارند که عمرشان هزاران سال طول بکشد و تا جایی که می‌توانند در این جهان زندگی کنند. امکان علمی طولانی شدن عمر انسان، از لحاظ علوم روز به ویژه فرمول‌های فیزیولوژیکی هیچ مشکلی ندارد و باید درباره این موضوع به عوامل پیری که منجر به مرگ می‌شود، بررسی و تحقیق کرد. باید این سؤال را بررسی کرد که آیا پیر شدن، یک حالت طبیعی و قانون تکوینی برای بدن است که از آن گریزی نیست؟ آیا سلول‌های بدن، عمر مشخصی دارند که در پایان از بین می‌روند؟ آیا پیر شدن جزء جدا نشدنی زندگی انسان است که بر او مسلط می‌شود تا بدنش را به طور کامل از کار اندازد؛ حتی عوامل خارجی، احتیاط و مواظبت نیز در آن تأثیری ندارد؟ یا اینکه پیر شدن یک موضوع طبیعی برای بدن انسان است که به سبب عوامل خارجی همچون نرسیدن مواد غذایی خوب و کامل و یا وارد شدن میکروب و عوامل بیماری‌زا، بدن دچار نقص می‌شود، کم کم از کار می‌افتد و موجب مرگ انسان می‌شود. این سؤال در میان دانشمندان مطرح است و نظرات متفاوتی نسبت به آن دارند. عده‌ای از آنها پیر و فوت شدن بدن را از این می‌دانند که بدن انسان به علت مشکلات در دریافت مواد غذایی و تولید مثل، دچار بی‌نظمی می‌شود و در نهایت منجر به مرگ می‌گردد. نظریه طولانی شدن عمر انسان یک موضوع ممکن است و اگر در نظر بگیریم که انسان در طول عمر خود سلول‌ها را از نفوذ میکروب‌ها و سموم محافظت نماید و غذای سالم و کامل به بدن برساند؛ نباید هیچ وقت پیر و فوت شده و موجب مرگ انسان شود؛ حال آنکه با از کار افتادن اعضای بدن و فوت شدن آنهاست که فرد دچار مرگ می‌شود. اگر از این نظریه چشم‌پوشیم و بگوییم که پیر شدن به سبب عوامل خارجی نیست. بلکه قانون طبیعی بدن است و خواه ناخواه بر بدن مسلط می‌شود و انتهایش مرگ است. ما این مسئله را در اطرافیان خود می‌بینیم و تجربیات دانشمندان ثابت کرده است که پیر شدن در زمان خاصی رخ نمی‌دهد، برای بعضی به طور ناگهانی اتفاق می‌افتد که صورت با نشاط آنها را پر چین و چروک می‌کند و برای برخی به تدریج رخ می‌دهد. عده‌ای از مردم در سن بالا و عده‌ای در سن پایین دچار آن می‌شوند. تفاوت در این مطلب بیانگر این است که پیری یک قانون طبیعی می‌باشد؛ اما همین قانون

طبیعی با برخی مراقبت‌های ویژه و استفاده از داروها قابل تغییر است. بنابراین طولانی شدن عمر انسان از نظر علمی امر محالی نیست اگر پیری و مرگ یک قانون طبیعی باشد، می‌توان با کمک علم در این کار دخالت کرد؛ اگر چه اجرای این برنامه تا به حال نتیجه خاصی برای انسان نداده اما این کار در مورد حیوانات انجام شده؛ به هر حال از لحاظ علمی ثابت شده که طولانی شدن عمر انسان تا هزاران سال امکان دارد. تاکنون این نظریه ثابت نشده است، ولی شاید در آینده‌ای نزدیک ثابت شود. همین که علم، خواهان اجرای این مطلب است نشان دهنده امکان این کار می‌باشد. با این توضیحات می‌توان گفت که طولانی شدن عمر امام زمان «عجل الله تعالی» مطلبی دور از ذهن و ناشناخته نمی‌باشد. امکان دارد این سؤال مطرح شود که این موضوع علمی با کوشش دانشمندان، شکل واقعیت به خود نگرفته، چگونه ممکن است که در هزار سال قبل در مورد امام زمان «عجل الله تعالی» اجرا شده و او تا به حال شاداب و جوان مانده باشد؟ این مورد همانند بیماری سرطان است؛ در حالی که هنوز دارویی برای درمان آن به دست نیامده است. باز این سؤال پیش می‌آید که چگونه اسلام از علم سبقت گرفته است و فردی با این سن را به ما معرفی می‌کند؟ جواب: این تنها موردی نیست که اسلام از علوم روز سبقت گرفته است. آیا اسلام تا به حال احکام و دستورات زیادی نداده که هم اکنون و بعد از قرن‌های متمادی به اسرار آنها پی می‌بریم؟ (۴۸) قرآن در هزار سال قبل، بسیاری از مسائل علمی را قبل از به وجود آمدن علم آن، کشف کرده است، در همان سال‌ها قرآن در هزار سال قبل و پیش از اختراع میکروسکوپ و علم جنین‌شناسی و اسرار مربوط به آن سخن گفته و اطلاعاتی در اختیار همه مردم جهان قرار داده است؛ نیز قبل از آنکه بزرگ‌ترین دانشمندان افکاری پیرامون کرات دیگر به ذهنشان برسد، این رسالت آسمانی اسراری در مورد آنها ذکر نموده و جالب اینکه علم روز، هم اکنون آن نظریات را پذیرفته و ممکن است که با پیشرفت بیشتر علوم به حقایق جدیدتری از علوم اسلامی دست پیدا کنند. همچنین قرآن در مورد معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سیر یک شبه ایشان از مسجدالحرام به مسجدالاقصی سخن گفته است. (۴۹) آیا موضوع معراج پیامبر صلی الله علیه و آله از علم روز سبقت نگرفته است؟ پس خداوندی که قوانین طبیعت را به کار گرفت تا پیامبرش را یک شبه از مسجدالحرام به مسجدالاقصی ببرد، می‌تواند قوانین طبیعت را در مورد مهدی علیه السلام به کار گیرد و عمرش را طولانی کند. قبل از آنکه علم به چنین چیزی دست پیدا کند. بله، شاید روزی برسد که انسان هم بتواند به علم طولانی کردن عمر دست یابد. خداوند متعال امام زمان «عجل الله تعالی» را برای یک تغییر بزرگ در جهان در نظر گرفته و این دگرگونی از روز اول عمر انسان تا به حال سابقه نداشته است. او می‌خواهد این تغییر و دگرگونی را در تمام زمین اجرا کند، پس بعید نیست که او نیز یک انسان عادی و معمولی نباشد. او کسی است که می‌خواهد تمام قدرت‌های مادی و ماده پرستی را از بین ببرد؛ پس می‌تواند خود را از تمام بیماری‌ها و آفات و هر چیزی که باعث پیری می‌شود، حفظ نماید و بدنش را هزاران سال سالم و شاداب نگاه دارد و اگر انسان عاقل این تغییر و تحول عظیم را در جهان به وسیله مهدی علیه السلام بپذیرد، می‌تواند قبول کند که زندگی او هزاران سال ادامه یابد؛ چون مورد اول از مورد دوم به مراتب سخت‌تر و مشکل‌تر است. در قرون گذشته، پیامبری به نام نوح علیه السلام می‌زیست که ۹۵۰ سال مردم را به توحید دعوت می‌کرد (۵۰) اما مردم دعوت او را نپذیرفتند و دچار طوفان شدند و از بین رفتند و نوح یک جامعه جدید بنا کرد. در آینده نیز چنین اتفاقی خواهد افتاد، مردی که بیش از هزار سال در میان مردم است، دنیا را تغییر می‌دهد و جهانی نو بنا می‌کند. چگونه می‌شود عمر حداقل هزار ساله نوح را باور کرد؛ ولی عمر مهدی علیه السلام را قبول نکرد؟ (۵۱)

۲. معجزه و طول عمر

دانستیم که طول عمر از لحاظ علمی امکان دارد؛ ولی فرض کنیم که از لحاظ علمی پیر شدن یک قانون طبیعی باشد که خواه، ناخواه گریبان انسان را می‌گیرد و دانشمندان در آینده هم نخواهند توانست این جریان را تغییر دهند. با این اوصاف ما می‌گوییم که طولانی شدن عمر مهدی علیه السلام ممکن و شدنی است. در قرون گذشته، نوح در میان مردم بود و برخلاف قانون طبیعت هزاران

سال عمر کرد. اکنون نیز پس از قرن‌ها مهدی علیه السلام برخلاف طبیعت و براساس معجزه بیش از هزار سال عمر کرده است. البته این را هم بگویم که به دفعات اتفاق افتاده که خداوند متعال برای محافظت از رهبری که او را برای هدایت مردم فرستاده، در قوانین طبیعت، وقفه ایجاد نموده است. آیا طولانی شدن عمر انسان عجیب است یا تأثیر نکردن آتش بر گوشت و پوست انسان؟ بنابر قانون طبیعت هر گاه جسمی بدون حرارت یا دارای حرارت ضعیف در برابر آتش سوزان قرار گیرد، آتش در آن اثر می‌کند. همچون ابراهیم علیه السلام که قرار است رهبری جامعه‌اش را به دست گیرد و بنای توحید را در میان آنها به پا دارد، خداوند متعال این قانون را معلق می‌کند تا از او محافظت کند و به آتش می‌گوید: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلْمًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»: «ای آتش! در مقابل ابراهیم سرد و سلامت باش». (۵۲) پس ابراهیم از میان آتش، سالم و زنده بیرون می‌آید و هیچ صدمه‌ای نمی‌بیند و اینجاست که «خداوند، قانون طبیعت را برای نجات یک رهبر دینی تعطیل می‌کند». همچنین در حفاظت از جان موسی علیه السلام، برخلاف قانون طبیعت، دریا شکافته می‌شود (۵۳)؛ قبیله رومان برای کشتن عیسی علیه السلام آمدند، ولی او به آسمان‌ها رفت (۵۴)؛ نیز پیامبر صلی الله علیه و آله در نیمه شب از بین سواران عرب که قصد کشتن او را داشتند، عبور کرد و برخلاف قانون طبیعت، آنها او را ندیدند. (۵۵) جریانات بسیار دیگری هست که خداوند برای محافظت از رهبر دینی، در قوانین طبیعت وقفه ایجاد کرده که اینها جزو عقاید ضروری مسلمانان می‌باشد؛ پس باید پیر شدن را که از قوانین غیرقابل تغییر است، در مورد مهدی علیه السلام تغییر یافته بدانیم. ممکن است این موضوع را یک قاعده کلی در نظر بگیریم که خداوند برای محافظت از حجت خویش، قانون طبیعت را به حالت تعلیق نگه می‌دارد تا آن شخص بتواند حیات خود را ادامه دهد و هنگامی که مأموریتش را انجام داد، خداوند، قانون در را باز می‌گرداند که با یک حادثه و یا بر اثر جریان طبیعی زندگی از دنیا برود یا شهید شود. در اینجا این سؤال مطرح است که: «چگونه می‌شود قانون طبیعت معلق شود؟» (۵۶) چگونه علاقه ضروری بین علت و معلول از هم گسیخته می‌شود؟ این برعکس تجربه علمی است که موفق به کشف این قانون طبیعت شده است». جواب این که بر خلاف عقیده موحّدان و مسلمانان که خواست خداوند را همیشه بر قوانین طبیعی جهان مسلط و حاکم می‌دانند، این مطلب را باید مورد توجه قرار داد که از لحاظ علم و دانش، ضرورت اجرای قوانین طبیعی، ثابت نشده است. اگر چه در دنیا به عنوان قانون طبیعت شناخته شده است، ولی حقایق بر اساس تجربه به دست آمده است؛ مثلاً هر گاه آب سرد در کنار آتش قرار گیرد، گرمای آتش در آن اثر می‌کند و آب را به جوش می‌آورد. این تجربه کشف یک قانون طبیعی است که هر وقت آب و آتش در کنار هم قرار گیرند، آب به جوش می‌آید، ولی علم و دانش بین این دو، علاقه ضروری در نظر نگرفته است که ضرورتی بر وقوع آن وجود داشته باشد؛ برای اینکه ضرورت، یک حالت نهانی در هر موجودی است که از طریق تجربه و علم به دست نمی‌آید، منطبق دانش روز این گونه است که قانون طبیعی از وجود یک علاقه ضروری بین تأثیر مؤثر و متأثر متأثر نیست، بلکه قانون طبیعی از نزدیکی بین دو شیء مثل آب و آتش می‌باشد که نتیجه‌اش به جوش آمدن آب می‌شود؛ پس اگر معجزه‌ای رخ بدهد، این نزدیکی و رابطه از بین می‌رود و این گونه می‌شود که آب در کنار آتش قرار می‌گیرد و گرم نمی‌شود. در این صورت یک موضوع ضروری را که در منطق علمی جدید محال باشد را به هم نزده است. معجزه با مفهوم دینی قابل قبول‌تر از منطق فلسفه قدیم است، چون در نظر منطق قدیم، قانون طبیعی از یک علاقه ضروری بین خاصیت دو شیء می‌باشد، در مفهوم علاقه ضروری القاء مؤثر از اثر یا مقاومت موجود متأثر از نظر عدم پذیرش اثر، محال است؛ مثلاً غیرممکن است که آتش از سوزش بیفتد، یا اینکه آب در نزدیکی آتش، گرم نشود. این علاقه اثر مؤثر و متأثر متأثر در منطق فلسفه روز به قانون اقتراّن تبدیل شده؛ یعنی این دو با هم مقارن‌اند، نه اینکه بین این دو ضرورتی باشد. بر اساس منطق استقرایی که از آن در کتاب «الاسس المنطقیه» به صورت کامل بحث کردیم، فقط در یک جهت بین ما و مکتب فلسفه جدید مخالفت وجود دارد. فلسفه جدید معتقد است که «نزدیک بودن و تقارن دو چیز با یکدیگر در دفعات مکرر باعث اثبات ضرورت و علّیت بین آن دو نیست». ما موافق این مطلب هستیم؛ امّا می‌گوییم که بین تمام موارد تقارن، جهت مشترکی وجود دارد؛ مثلاً آتش در هر جا و در هر زمانی

که باشد، می‌سوزاند. اگر میان آتش و سوختن فقط یک تقارن باشد به این صورت که هر سوختنی که با آتش صورت می‌گیرد به علت یک تصادف و اتفاق اقرانی است؛ پس در برخی از دفعات، این تقارن تخلف می‌پذیرد و گاهی بعضی از آتش‌ها نمی‌سوزانند. در آتش و سوختن علاوه بر این که جهت مشترک سوزاندن هست اما به اثبات نرسیده که آن جهت مشترک، علیت و ضرورت است؛ احتمال هم دارد که حکمت الهی، موجب تغییر قانون حاکم در عالم شود. در مواردی، حکمت الهی، بر این است که آتش با سوختن متقارن نشود؛ اینجاست که اراده خداوند، مقتضای این حکمت را در برمی‌گیرد و معجزه به وجود می‌آید.

۳. ارتباط طولانی شدن عمر امام زمان «عجل الله تعالی» با ایجاد تغییر و تحول در جهان

سؤال دوم این است که چرا خداوند، یک انسان را تا به حال زنده نگاه داشته و برای او قوانین طبیعت را معلق کرده است؟ چه می‌شد خداوند او را در همان زمانی که قرار است قیام کند، بیافریند؟ به عبارت دیگر راز طولانی شدن عمر و غیبت طولانی چیست و چه فایده‌ای دارد؟ اکثر کسانی که چنین سؤالاتی می‌کنند، نمی‌خواهند پاسخ مذهب بر اساس عقاید غیبت را بشنوند؛ ما به این مطلب ایمان داریم که ائمه دوازده گانه علیهم السلام مجموعه واحد و بی‌ظیری هستند (۵۷) که قابل تعویض و تبدیل نمی‌باشند؛ ولی کسانی که چنین سؤالاتی را مطرح می‌کنند، توقع دارند که پاسخ‌هایشان بر اساس فلسفه‌های اجتماعی و در پرتو حقایق محسوس عملی، داده شود؛ پس برای جواب به صورت موقت از آنچه که نسبت به شخصیت ائمه علیهم السلام ایمان داریم و خصلت‌هایی که در آنها سراغ داریم، (۵۸) صرف نظر می‌کنیم و این سؤال را این گونه طرح می‌کنیم: آیا طولانی شدن عمر امام زمان «عجل الله تعالی» بر اساس تجربیات به دست آمده، برای ایجاد تحول و تغییر در جهان مؤثر است؟ آیا طولانی شدن عمر، بهتر می‌تواند این قیام را به اجرا در آورد؟ بله، چنین است. اگر می‌خواهیم تغییر و تحولی عظیم در سرتاسر جهان به وجود آید به یک قهرمان اجرا کننده نیاز داریم که او باید نسبت به تمام مردم، اتفاقات، اماکن، مسائل اجتماعی و سیاسی، شناخت کافی داشته باشد تا بتواند این تغییرات را لحاظ کند. اگر این قهرمان همانند نقطه‌ای ثابت بر روی یک خط طولانی، جامعه‌های بشری را سیر کند، از لحاظ نیروی نفسانی می‌تواند در مقابل تمام مسائل اجتماعی بایستد و برخلاف آن حرکت نماید و به پیروزی هم برسد. باید حجم فکری و ادراکات کسی که می‌خواهد تغییر و تحول در کل جامعه بشری ایجاد کند، از حجم آن جامعه بزرگ‌تر باشد. هر اندازه جهان هستی از لحاظ اجتماعی و سیاسی در مرتبه بالایی قرار داشته باشد، قیام در مقابل آن، احتیاج به فکر و شعور بالاتری دارد. اگر تقدیر و خواسته الهی در روز موعود این است که جهان پر از ظلم و جور تغییر کند، باید کسی که فهم و شعور او از آن جهان بزرگ‌تر است، مجری آن کار باشد؛ او نباید دست پرورده دنیا باشد و در جامعه‌ای بزرگ شود که تمام امور اجتماعی آن بر اساس ظلم و ستم است؛ چون چنین کسی از دنیا کوچک‌تر است. هنگامی که قرار شد او در محیطی ثابت و اجتماعی، دوران طفولیت خود را سپری کند، چیزی جز قدرت و آزمودن قدرت توسط دیگران نمی‌توانست در چنین جامعه‌ای تغییر و تحولی عمیق به وجود آورد؛ برعکس کسی که پرورش یافته محیط دیگری باشد و اجتماعات و قدرت‌های بزرگ‌تری را دیده باشد که قبلاً چه سرنوشتی داشتند، متوجه می‌شود که از بین بردن چنین جوامعی ساده خواهد بود. او این جریان‌ها را از ابتدای شکل‌گیری و پذیرش آن، توسط شئون سیاسی و اجتماعی به چشم خود دیده است و هنگامی که آن قدرت‌ها با وسایل و ابزار خاصی روی کار آمدند و دوران اولیه حکومت خود را گذراندند تا قدرت آنها کامل شود و بر تمام افکار چیره شوند تا زمانی که رو به ضعف و نابودی رفتند و همچنین قدرت‌های جایگزین آنها را با اندیشه و ظرافت خاصی در طول هزاران سال شاهد بود؛ نه اینکه از دل کتاب‌های تاریخ خوانده باشد. بی‌شک جامعه و قدرتی را که او می‌خواهد دگرگون کند، نسبت به جوامع و قدرت‌های گذشته کوچک‌تر است. امام زمان «عجل الله تعالی» بیش از هزار سال عمر کرده است و قدرت و هیبت چند هزار ساله در وجود او هست، وی به خوبی می‌داند که چه عواملی باعث به قدرت رسیدن حکومت‌ها و محیطها و چه عواملی باعث از بین رفتن آنها می‌شود؛ هر چقدر

اجتماعات و قدرت‌های آنان عمری طولانی داشته باشند در برابر عمر تاریخ، کوتاه و کم هستند. آیا سوره کهف را خوانده‌ای؟ جوانمردانی که به خدا ایمان آوردند و خداوند بر هدایت آنها افزود؟ (۵۹) آنها در مقابل حکومتی ظالم قرار داشتند که برای استحکام حکومت خود، خفقان سنگینی را در جامعه حاکم کرده بودند، مردم نمی‌توانستند از توحید، سخنی به زبان آورند؛ باید تخته چوب‌های بی‌جان را می‌پرستیدند. حتی حق نداشتند در مورد توحید فکر کنند. آنان کسانی بودند که قدرت مبارزه با این ظلم‌ها و خفقان را نداشتند و از طرفی هم نمی‌خواستند در جامعه‌ای زندگی کنند که همانند اصطبل حیوانات باشد و در نهایت تصمیم گرفتند تا خود را از میان آن مردم کثیف نجات دهند و از زمره جانورانی که سرنوشت خود را به دست درندگان داده بودند، خارج کنند. آنها به غاری که بیرون شهر بود، پناه بردند و در این فکر بودند که آیا می‌شود، روزی این حکومت از بین برود؟ آنان در غار به خواب رفتند و بعد از ۳۰۹ سال از خواب بیدار شدند (۶۰) و دوباره جان گرفتند و بر اجتماع وارد شدند و دیدند، همان حکومتی که آنها را با ظلم و زور آواره کرده بود، از بین رفته و هیچ اثری از آن نمانده است؛ حتی به عنوان قصه و داستان نیز سخنی از آنها به زبان نمی‌آمد. تمام این مسائل برای این بود که خداوند، باطل را در نزد آنها کوچک و ناچیز گرداند و سرنوشت حکومتی را که در نظرشان پر قدرت بود، توانستند با چشم خود ببینند. این جریان دقیقاً برای طولانی شدن عمر قائم آل محمد صلی الله علیه و آله اتفاق می‌افتد و چنین قدرتی پیدا می‌کند که اشیاء غول پیکر را خرد و کوچک و درختان سر به فلک کشیده را همچون نهال و طوفان‌های ویران کننده را همچون یک نسیم ملایم مشاهده می‌کند. (۶۱) اضافه بر این، زندگی چند هزار ساله، تجربیاتی به بار می‌آورد که برای رهبری این قیام و انقلاب بزرگ مفید است، به این علت که او در بیش از هزار سالی که زندگی کرده در اجتماعات و ملت‌های مختلف زیسته و در مقابل یک سری تلاش‌هایی قرار گرفته که آن را در دیگران می‌بیند و نقاط ضعف و قوت و خطا و درستی را در مردم می‌نگرد و این عمر طولانی و دیدن تاریخ به چشم خود، برای او تجربه‌ای را در بر دارد که به هیچ وجه از ظاهر گروه‌ها و ملت‌ها فریب نمی‌خورد و به راحتی می‌تواند آنها را تشخیص دهد و ریشه‌های این تحولات را به خوبی در می‌یابد. اجرای این تحول و دگرگونی عظیم، وظیفه‌ای می‌باشد که اسلام به او واگذار نموده است؛ پس، چون این انقلاب، اسلامی است، باید کسی رهبری آن را به عهده داشته باشد که به ابتدای اسلام، نزدیک و شخصیت او بر اساس اسلام اصیل شکل گرفته باشد، به گونه‌ای که محیط دوران موعود در او اثری نگذارد. برخلاف این موضوع، اگر قرار می‌شد که امام زمان «عجل الله تعالی» در همان زمان و داخل همان محیط و جامعه زندگی و براساس همان فرهنگ رشد کند، به ناچار تأثیراتی از آن محیط می‌گرفت، هر چند قصد داشته باشد که جامعه را تغییر دهد. پس نباید او در جامعه‌ای رشد کند که می‌خواهد آن را تغییر دهد، بلکه باید در جامعه‌ای کاملتر از آن باشد و شخصیت او بر اساس معارف اسلامی اولیه شکل گیرد. (۶۲)

۴. رهبری در کودکی

سومین سؤال این است که چگونه ممکن است کسی در سن تقریباً پنج سالگی رهبری جامعه‌ای را به عهده گیرد؟ آیا می‌شود در طی این چند سال که او در کودکی به سر می‌برده، طوری آموزش ببیند که بتواند رهبری جامعه را به عهده گیرد؟ جواب: مهدی علیه السلام جانشین پدرش برای رهبری مسلمین بود؛ یعنی کُلّ امامت در روح و فکر او وجود داشت. رهبری در کودکی، فقط مخصوص امام زمان «عجل الله تعالی» نبوده، بلکه در امامان قبل از او هم وجود داشته است؛ مثلاً امام جواد علیه السلام در هشت سالگی (۶۳) و امام هادی علیه السلام در نه سالگی (۶۴) و امام عسکری علیه السلام در ۲۲ سالگی (۶۵) به امامت رسیدند و می‌بینید که این موضوع از امام جواد علیه السلام تا امام زمان «عجل الله تعالی» ادامه داشته است تا در سال‌های اولیه عمر مبارکشان به مقام ولایت و رهبری برسند و روشن است که ائمه‌علیهم السلام حتی در سن کودکی و یا نوجوانی از لحاظ روحی و فردی در مقامی بودند که بتوانند به راحتی رهبری جامعه اسلامی را به عهده گیرند و تجربه اجتماع اسلامی در مورد پدران امام زمان «عجل

اللّه تعالی»، خود بزرگ‌ترین دلیل برای جواب این سؤال است. (۶۶) توضیح مطلب فوق این است: الف: جانشینی ائمه‌علیهم السلام همانند حکومت موروثی که از پدر به پسر ارث می‌رسد یا مثل خلافت فاطمیون و عباسیون نبوده است؛ بلکه پیروی مردم از آنها بر اساس یک سری اصول بنا شده است که باید افکار از لحاظ اعتقادی قانع شوند که آیا آنان لیاقت جانشینی امام را دارند؟ نشانه‌ها را در او ببینند و رهبری آنان بر اساس عظمت بالای فکری و روحی باشد. ب: از ابتدای اسلام، گروه کوچکی بوده‌اند که از لحاظ بینش فکری از همه بالاتر بوده‌اند که می‌توانستند، رهبر اسلام را بر اساس علمی که داشته‌اند تشخیص دهند، ولی در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام تعداد این افراد زیاد شد و اصول و قواعد پیرامون رهبری که به صورت مبانی اعتقادی برای پیروان این مکتب در آمده بود، چنان دگرگونی فکری و علمی در میان مسلمانان به وجود آورد که صدها نفر از فقها، سخنوران، مفسران و دانشمندان در رشته‌های گوناگون علوم انسانی و اسلامی را در بر گرفت، به طوری که حسن و ثنا گفت: داخل مسجد کوفه شدم و دیدم که نهصد نفر (۶۷) استاد می‌گویند: امام صادق علیه السلام چنین گفته... ج: اسلام، شرایطی را که برای امام علیه السلام از نظر کفایت و لیاقت برای به دست گرفتن رهبری مسلمانان قرار داده، بسیار سخت و سنگین است؛ چون اسلام به این مطلب ایمان دارد که امام باید از تمام دانشمندان، داناتر باشد. (۶۸) د: دین اسلام از ابتدا برای ثبات و اجرای مبانی خود در مورد رهبری اسلام، جان‌های عزیز و بزرگی را فدا کرده است، چون از نظر حاکمان آن زمان، نظریه اسلام در مورد رهبری را بزرگترین خطر برای خود می‌دانستند و لا- اقل این گونه فکر می‌کردند که همین ایدئولوژی، روزی باعث تشکیل انقلاب‌هایی برای از بین بردن حکومت‌های ظالم خواهد شد، از همین رو پیروان آن را می‌کشتند و به زندان می‌انداختند و صدها نفر از آنها را در گوشه‌های زندان شکنجه می‌کردند، ولی آنان دست از اعتقاد به ائمه‌علیهم السلام بر نمی‌داشتند و این کار برای آنها گران تمام می‌شد (۶۹) و تحمّل این شکنجه‌ها فقط اعتقاد به مذهب و بزرگترین عبادت و وسایل قرب به خدا بود. ه: ائمه‌علیهم السلام انسانهایی گوشه گیر نبوده‌اند که شیعیان فقط بر اساس گمان بگویند که آنها لیاقت رهبری را دارند. آنها همانند حکام و خلفا نبوده‌اند که خود را در کاخ و قصر مستور دارند و دست هیچ کسی به آنها نرسد و مردم آنها را نشناسند، بلکه آنان در میان مردم بوده‌اند، به جز زمانهایی که در زندان یا تبعید به سر برده‌اند. و ما به وسیله تعداد زیاد راویان و محدثان و مکاتباتی که با مردم داشته و مسافرت‌های متعدد آنها و نمایندگی علما و دانشمندان و رفت و آمدی که مردم از سرزمین‌های دور دست داشته‌اند و اقامه حج (۷۰) به این مطلب می‌رسیم که آنها در میان مردم بوده‌اند، تمام موارد فوق نشان دهنده این است که ائمه‌علیهم السلام در سر تا سر جهان با تمام مردم از جمله دانشمندان و غیره رفت و آمد داشته‌اند و این نکته به اثبات می‌رسد که آنها از تمام دانشمندان برتر بوده‌اند. و: حکومت‌های آن زمان، از نفوذ ائمه‌علیهم السلام در میان مردم و از جاذبه‌ای که داشتند، می‌ترسیدند و به همین علت تمام تلاش خود را به کار می‌بردند که این زعامت را در هم شکنند و در این راه از هیچ کاری فرو گذار نکردند و قساوت و جنایت و سرکشی خود را ظاهر نمودند، تا جایی که برای ثبات مقام و حکومت خود به ائمه‌علیهم السلام ظلم و ستم کردند و باکی از این نداشتند که با این کارهایشان در نزد مسلمانان و مردمی که ائمه‌علیهم السلام را دوست داشتند، منفور شوند. اینها نکاتی هستند که غیر قابل تردید می‌باشند و حقایقی از تاریخ می‌باشند که شکی در آنها نیست و به این نتیجه می‌رسیم که: امامت در دوران نوجوانی و جوانی امری واقعی است و گمان و پندار نیست، چون هنگامی که کودکی هشت ساله ادعای امامت می‌کند و می‌گوید که خصایص ذاتی امام را دارد و از لحاظ فکری و روحی بر تمام مسلمانان برتری دارد و مردم هم پیرو او می‌شوند. او باید شعور، درک و علمی فوق العاده در فقه و تفسیر و کلام داشته باشد، چون اگر اینگونه نباشد، نمی‌تواند مراکز علوم اسلامی را قانع کند. با این اوصافی که گفتیم، امامان علیهم السلام در جامعه‌ای می‌زیستند که با تمام مردم رابطه داشتند و افرادی متفکر و اندیشمند نیز اطراف آنها بودند که همیشه اخبار آنها در اختیار متفکرین مسلمان و غیر مسلمان قرار داشت، پس چگونه می‌شود که کودکی در این شرایط بتواند ادعای امامت کند و مردم را به سوی خود دعوت کند و عموم پیروان، دسترسی به او داشته باشند و جان خود را

فدای راه خود کند و به خاطر عقایدش، زندگی اش را در خطر اندازد و با این حال تلاش کند که ادعای خود را ثابت کند و اخبار او همیشه سر زبان‌ها باشد؟ آیا ممکن است که کودکی ادعای برتری بر همه دانشمندان را داشته باشد، در صورتی که از لحاظ فکری و علمی همانند کودکان باشد و در روابط اجتماعی مشت او باز نشود؟ اگر فرض کنیم که موارد فوق پوشیده بماند، چگونه حکومت ظالم آن زمان در برابر این کودک ساده و بدون امتیاز اقدامی نکرده، تا باطن و حقیقت او بر همگان آشکار شود؟ در حالی که پیش گرفتن چنین کاری برای آن حکومت، خیلی ساده‌تر از قتل و زندانی کردن است. اثبات عدم کفایت و لیاقت روحی و فکری فردی که چهل یا پنجاه سال دارد، برای رهبری اسلام، دشوارتر از کودکی است که هیچ ذکاوت و علم و درایت امامت در خون او نیست. (۷۱) پیش گرفتن این روش، بسیار ساده‌تر و آسانتر از این است که حاکمان دست به قلع و قمع ائمه‌علیهم السلام و پیروان آنها بزنند. بی شک تنها دلیلی که باعث سکوت حاکمان آن عصر در مقابل امامانی که در سنین کودکی بوده‌اند، این است که خود حکومت‌ها نیز درک می‌کردند که امامت آنها در کودکی واقعیت دارد و ساختگی نیست. حکومت‌های آن زمان نیز چند مرتبه دست به چنین کارهایی زدند تا امامان کم سن و سال را به بازی بگیرند و رسوا کنند، ولی این گونه نشد و آنها شکست خوردند. (۷۲) همچنین این امامان در طول اجرای برنامه‌های خود به بسیاری از مشکلات برخوردند و مبارزاتی انجام دادند، ولی هیچ گاه کوچکترین تزلزلی پیدا نکردند که اطمینان مردم نسبت به آنها سلب شود. مطالب فوق نشان دهنده این است که، امامت در سنین ابتدایی زندگی ائمه‌علیهم السلام واقعیت دارد و گمان و پندار نیست و هر کس که با این اوصاف به دنیا گام بگذارد، چه در سن کودکی و چه در جوانی و چه در کهنسالی باشد، او امام و رهبر مردم است. نمونه این گونه جریانات در میان وارثان الهی فقط یحیی علیه السلام است که خداوند به او می‌فرماید: «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»؛ «ای یحیی! این کتاب را با تمام قوت بگیر. و در کودکی به او فرزاندگی دادیم». (۷۳) پس با این اوصاف که امامت را در سنین کودکی در اهل بیت علیهم السلام به اثبات رساندیم و دانستیم که واقعیت دارد، آیا باز هم کسی هست که بگوید چگونه می‌شود که مهدی علیه السلام در کودکی به امامت برسد؟ (۷۴)

۵. چگونه ایمان بیاوریم که مهدی علیه السلام وجود دارد؟

سوال چهارم این است که: فرض را بر این بگیریم که وجود چنین رهبری که چنین عمری طولانی داشته باشد و امامتش در خردسالی شروع شده و غیبتش ساکت و بی‌سر و صدا است، ممکن باشد، ولی آیا این موارد ما را قانع می‌کند، قبول کنیم که او وجود دارد؟ چگونه می‌توانیم در این زمان به وجود او ایمان داشته باشیم؟ آیا فقط به احادیثی که از پیغمبر صلی الله علیه و آله در این مورد که خلاف متعارف است، کفایت کنیم؟ بلکه چگونه می‌توانیم یک فرد تاریخی در این زمان را اثبات کنیم؟ در حالی که او حقیقت داشته باشد، نه اینکه به خاطر زیاد بودن تلقین بودن یک انسان فرضی در افکار تعداد زیادی از مردم پدید آمده باشد؟ (۷۵) جواب: اعتقاد به مهدویت که او را به عنوان یک رهبر مورد انتظار مطرح کرده است که جهان را تغییر خواهد داد، عموماً در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و خصوصاً در روایات ائمه‌علیهم السلام آمده است و در مباحث زیادی مورد تأکید قرار گرفته که شکی در آن نیست و حدود چهارصد حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد مهدویت در کتاب‌های برادران اهل سنت آمده است. (۷۶) تمام روایات و احادیثی که در مورد امام زمان «عجل الله تعالی» از طریق شیعه و سنی آمده در حدود شش هزار روایت است و این تعداد بالایی است که در مورد هیچ یک از امور اسلامی مسلم، به این اندازه روایت نشده است. اما مصداق دادن این تفکر در مورد امام زمان «عجل الله تعالی» می‌باشد که دارای مدارک کافی و روشن برای اثبات است. تمام این مدارک را در دو دلیل خلاصه می‌کنیم: ۱. دلیل اسلامی. ۲. دلیل علمی. با دلیل اسلامی، وجود رهبر منتظر را ثابت می‌کنیم. و با دلیل علمی ثابت می‌کنیم که مهدی علیه السلام فقط یک اسطوره و پندار نیست، بلکه او حقیقتی است که وجودش به وسیله تاریخ ثابت شده است.

دلیل اسلامی در صدها روایت که از پیامبر صلی الله علیه وآله (۷۷) و ائمه‌علیهم السلام آمده، دلالت می‌کنند که مهدی علیه السلام وجود دارد و از اهل بیت‌علیهم السلام (۷۸) و از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام و از نوادگان امام حسین علیه السلام (۷۹) و او نهمین نواده امام حسین علیه السلام می‌باشد. (۸۰) همچنین احادیثی که آمده: جانشینان پیامبر صلی الله علیه وآله دوازده نفر هستند. (۸۱) این احادیث، تفکر عموم مردم را در مورد امام زمان «عجل الله تعالی» محدود و مشخص می‌کند، در حالی که تلاش ائمه‌علیهم السلام بر این بود که خبرهای پیرامون امام زمان «عجل الله تعالی» در دسترس عموم مردم قرار نگیرد و این موضوع را از دشمنان پنهان دارند که مبادا آنها بر علیه او توطئه کنند و به آن حضرت صدمه‌ای برسانند. (۸۲) با این حال، اخبار و احادیث بسیاری در این مورد منتشر شده است و این اخبار و احادیث زیاد، دلیلی بر وجود او نیست و اینکه ما این حقیقت را قبول کنیم، بلکه همراه با این احادیث، دلیل‌هایی نیز بر صحت این واقعیت دارند. این حدیث شریف نبوی به این معنی که: «جانشینان یا امرای بعد از من دوازده نفر هستند.» یا با عبارات مختلف دیگری در بیشتر از ۲۷۰ روایت از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل شده است. (۸۳) و این روایات در کتب مشهور شیعه و سنی از جمله صحیح بخاری (۸۴) و صحیح مسلم (۸۵) و صحیح ترمذی (۸۶) و سنن ابی داود (۸۷) و مسند احمد حنبل (۸۸) و مستدرک الصحیحین حاکم نیشابوری (۸۹) نقل شده است. ملاحظه می‌کنید که این احادیث و روایات را بخاری، محدث سنی نقل می‌کند، در حالیکه او در زمان امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام زندگی می‌کرده است و هنوز امامان به تعداد دوازده نفر نرسیده بودند و این مطلب، روشن‌گر این است که این حدیث قبل از آنکه تفکر پیرامون دوازده امام‌علیهم السلام در مغزها شکل گیرد و کامل شود، از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل شده؛ پس با این اوصاف جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌ماند، به اینکه گفته شود این احادیث نشأت گرفته از واکنش اعتقاد افراد دوازده امامی بوده است، چون اگر این احادیث را به پیامبر صلی الله علیه وآله نسبت دهیم، در واقع مجهول و واکنش افراد دوازده امامی می‌باشد، چون در این صورت معنا ندارد که این روایات عکس‌العمل اعتقادی افراد دوازده امامی هست، پیش از تکمیل اصل این اعتقاد، آن حدیث در کتاب‌ها یافت شده، چون عکس‌العمل هر چیزی متأخر از خود اوست و نه مقدم بر آن. پس هنگامی که ما یک دلیل مادی و روشنی داریم که این احادیث قبل از تکمیل دوازده امام وجود داشته و در کتاب‌ها ضبط شده، دیگر جایی برای این ادعاها باقی نمی‌ماند که بگوئید این احادیث عکس‌العمل اعتقادی دوازده امامی است، در صورتی که آنها یک حقیقت الهی می‌باشند که: «لا ینطق عن الهوی: بر اساس هوی و هوس حرف نمی‌زند.» (۹۰) و فقط اعتقاد شیعه دوازده امامی است که می‌گوید امامت از علی علیه السلام شروع و به مهدی علیه السلام ختم شد که قابل تطبیق با این حدیث شریف پیامبر صلی الله علیه وآله است. (۹۱) دلیل علمی دوازده امامی همان تجربه‌ای است که مردم در طی هفتاد سال که همان غیبت صغری است (۹۲) به دست آوردند که توضیحاتی در این مورد خواهیم آورد. غیبت صغری عبارت است از اوایل امامت حضرت مهدی علیه السلام که آن حضرت در آن زمان که در میان مردم بود، پنهان شود و اسمی از ایشان بر زبان‌ها نباشد، ولی با قلب و عقل خود به مردم نزدیک بود. اگر غیبت صغری همانند غیبت کبری می‌شد و امام علیه السلام از میان مردم می‌رفت، اضطراب و سردرگمی شدیدی شیعیان را در بر می‌گرفت و اساس آنها را متلاشی می‌کرد، چون تا آن زمان امام در میان مردم بود و مردم مشکلاتشان را به وسیله او حل می‌کردند، لذا برای اینکه این وضع پیش نیاید و مردم به تدریج به زندگی بدون امام عادت کنند، حضرت مهدی علیه السلام در ابتدا با اینکه از چشم‌ها پنهان بود، ولی به وسیله نمایندگان خود با مردم رابطه داشت و این نمایندگان که از نظر تقوا، زهد و پاکی در میان مردم مشهور بودند، این امور را به دست گرفتند. آنها به ترتیب چهار نفر بودند: ۱. عثمان بن سعید عمری ۲. محمد بن عثمان بن سعید عمری ۳. ابوالقاسم حسین بن روح ۴. ابوالحسن علی بن محمد سمری این چهار نفر (۹۳) به ترتیبی که ذکر کردیم، نمایندگی امام زمان «عجل الله تعالی» را به عهده داشتند و هر گاه یکی از آنها در حال مرگ بود، جانشینش را آن حضرت معرفی می‌کرد. نواب، رابط بین مردم و امام بودند که خواسته‌ها و مشکلات آنها را به آن حضرت می‌رساند و جواب شفاهی یا کتبی، (۹۴) از امام زمان «عجل الله

تعالی» می‌گرفتند. این گونه رابطه با امام عصر، برای ملت آن زمان که از دیدار با رهبر خود محروم بودند، نوعی دلداری دادن بود. نکته قابل توجه اینکه در طی این هفتاد سال، تمام این نامه‌ها و دست نوشته‌ها به یک شکل و خط نوشته شده که نشان دهنده این است که امام زمان «عجل الله تعالی» آنها را نوشته است. (۹۵) «علی بن محمد سمري» آخرین نائب امام زمان «عجل الله تعالی» بود که در پایان عصر غیبت اعلام کرد که غیبت صغری تمام شده و غیبت کبری آغاز شده است و دیگر نائبی بین امام و مردم وجود ندارد؛ عبور و تغییر غیبت صغری به غیبت کبری در زمانی صورت گرفت که شیعیان از لحاظ علمی و شعور دینی به جایی رسیده بودند که از صدمات این دوران در امان باشند و مغزها و افکار برای این نوع تفکر آمادگی پیدا کردند که رهبر شیعه با نیابت عامه از طرف امام زمان «عجل الله تعالی» و به دست مردم، فردی متخصص انتخاب شود که به عنوان مجتهد عادل که دارای بصیرت دنیوی و دینی است، از او یاد می‌شود. اکنون می‌توان موقعیت و مطلب را بر اساس مطالب روشن شده گذشته ارزیابی کنیم، تا اینکه به صورت کاملاً واضح و روشن درک کنیم که: مهدی علیه السلام حقیقتی است که در میان عده‌ای از مردم زیسته و شیعیان هفتاد سال تحت رهبری مستقیم او زندگی کرده‌اند که با نواب او رابطه داشته‌اند و در طی این هفتاد سال کسی این مطلب را نفهمیده بلکه با کلمات، بازی کرده یا در اقدام‌های گوناگون، خود را فریب داده و یا در رساندن مطلب، کوتاهی کرده است. شما را به خدا قسم می‌دهم! آیا می‌شود که یک موضوع دروغ، هفتاد سال به وسیله چهار نفر که از لحاظ زمان مختلف بودند، مورد ابتلای مردم باشد و کوچکترین شکی در این مورد به خود راه ندهند و پیرامون اساس و اصل آن چانه زنی کنند و گویا موضوعی است که تنها خود آن را تجربه کرده‌اند و دیده‌اند، بدون اینکه از آنان چیزی که موجب تردید و شک شود، صادر شود و بدون اینکه میان این چهار مسئله یک ارتباط ویژه‌ای وجود داشته باشد و از این بین صفاتی در رفتار خود به دست می‌آورند که مورد اطمینان و باور اکثریت یا تمام مردم و ایمان بیاورند به موضوعی که آنها ادعا می‌کنند که این موضوع همراه با زندگی آنان آمیخته شده و به طور محسوس لمس کرده‌اند. از قدیم گفته‌اند: ریسمان دروغ، کوتاه است. بر اساس منطق تجربه زندگی، برحسب احتمال چند درصدی، هرچند که غیرممکن است این جریان دروغ باشد، و در طی این هفتاد سال برای مردمی که آن را به عنوان یک حقیقت ثابت قبول کرده‌اند، کشف نشود، بلکه به عکس، اطمینان آنها به این جریان بیشتر شد. از اینجا خواهیم دانست که پدیده غیبت صغری را می‌توان به منزله یک تجربه علمی اثبات شده، قلمداد کرد و در برابر اعتقاد به ولادت (۹۶) و حیات و غیبت و اعلام عمومی تسلیم شد. (۹۷)

۶. چرا مهدی ظهور نمی‌کند؟

امام زمان «عجل الله تعالی» برای چه، این مدّت طولانی را در غیبت به سر برده است؟ و اگر منظور این باشد که خود را برای رهبری جامعه آماده می‌سازد، پس چرا در همان اوایل غیبت صغری، ظهور و قیام نکرد؟ چرا پس از غیبت صغری و به جای اینکه داخل غیبت کبری شود، ظهور نکرد؟ چرا در زمان غیبت صغری که شیعیان، صفوف به هم فشرده‌ای داشتند و حکومت‌های آن زمان، قدرت اجرا و ادوات جنگی زمان حاضر را نداشتند ظهور نکرد؟ جواب: هر تغییر اجتماعی، زمانی به نتیجه می‌رسد که شرایط و امکانات آن فراهم شود که این اهداف تحقق پیدا نمی‌کند، مگر آنکه این شرایط و امکانات فراهم گردد. عملیات انقلاب اجتماعی که منحصر به رسالت آسمانی است، متوقف بر شرایط و عوامل زمانی نیست، چون رسالت الهی و آسمانی است، نه از فراهم آمدن شرایط زمانی و اجتماعی، اما برای اجرایی شدن آن به شرایط ثابت شده و موفقیت و زمان بندی آن، ارتباط تنگاتنگی با این شرایط دارد. بنابراین مقدرات الهی، زمانی در حدود پنج قرن از زندگی جاهلیت سپری شد، تا آنکه آخرین رسالت ربانی و الهی بر قلب نازنین حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شد. چون ارتباط شرایط زمانی ثابت شده برای تحقق این امر، علی رغم نیاز جهانی به این رسالت، در مدّت طولانی، اما نزول این رسالت می‌بایست مدّتی به تأخیر افتد؛ تا شرایط لازم که برای جنبه اجرا در کار انقلاب

و دگرگونی اجتماع، شامل فراهم آمدن جو مناسب و شرایط عمومی برای ایجاد انقلاب هدفمند و دیگر اینکه برخی از نیازمندیهایی که این حرکت و دگرگونی نیازمند باشد، فراهم گردد. پس هنگامی که در مورد تحولی که لنین در روسیه به وجود آورد، بیندیشیم، به این مطلب می‌رسیم که پیروزی او به جنگ جهانی اول مرتبط بود، چرا که حکومت روم ضعیف شده بود و این عوامل، فضای مناسبی برای ایجاد تغییر و دگرگونی در روسیه ایجاد کرد. البته عوامل جزئی و محدود دیگری نیز در پیروزی لنین تأثیر داشت، از جمله: سلامتی لنین در برابر مخاطرات، تا اینکه توانست داخل روسیه شود و انقلاب را رهبری کند و اگر برای او اتفاق یا حادثه‌ای پیش می‌آمد که او از بین می‌رفت، انقلاب به این سرعت در سطح شوروی فراگیر نمی‌شد. در انقلاب‌های آسمانی سنت خداوند این است که عملیات تغییر و دگرگونی از طرف خداوند و آسمانی است، ولی از لحاظ پیشرفت و نفوذ یک سیر طبیعی را می‌پیماید و تا زمانی که فضای مناسبی برای ایجاد یا رشد انقلاب پیش نیاید، این امر صورت نمی‌گیرد؛ از جمله این که اسلام بعد از مدتی از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا ظاهر شد و پیشرفت کرد. پس اگر خداوند بخواهد، می‌تواند این فضا و آمادگی را به صورت معجزه بیافریند، در حالی که این کار برخلاف سنت خلقت است، چون آفرینش انسان بر مبنای امتحان و ابتلا و تلاش خود او واگذار شده است، چون تکامل انسان بستگی به این امتحان و ابتلا دارد و باید که عمل دگرگونی و تغییر الهی سیر طبیعی خود را طی کند. البته هنگامی که انقلاب در سطح جامعه جای گرفت، اگر موانع و مشکلاتی بر سر راه این انقلاب باشد، گاهی اوقات با کمک‌ها و عنایات غیبی خداوند رفع می‌شود، تا مجریان این انقلاب دچار سختی نشوند، از جمله اینکه خداوند، آتش نمرود را بر ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت قرار داد. (۹۸) همچنین دست یهودی فریبکار را که با شمشیری بر سر پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته بود، کوتاه کرد و او را از حرکت باز انداخت. (۹۹) همچنین خداوند با فرستادن تند بادی مهیب، خیمه‌های کفار و مشرکین را که در روز خندق در اطراف مدینه بودند را کند و ترس را به جان آنها انداخت. (۱۰۰) این را بدانید که این گونه کمک‌رسانی‌ها منافاتی با طبیعی بودن انقلاب ندارد و مشخص شد که تا فراهم شدن فضای مناسب، امام زمان «عجل الله تعالی» در غیبت به سر خواهد برد. در پرتو این مطالب دانسته شد که او فقط برای دگرگونی اجتماعی محدود ذخیره نشده است، بلکه خداوند او را برای ایجاد تغییر و دگرگونی تمام عالم هستی ذخیره کرده تا تمام مردم را از تاریکی آزاد کند و نور عدالت را در جهان منتشر نماید. (۱۰۱) اجرای این تغییر و دگرگونی بزرگ، فقط با تلاش او و قدرت الهی و ولایت تکوینی اش کافی نمی‌باشد، و گرنه تمام این شرایط را وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله دارا بود، پس برای تحقق این انقلاب، احتیاج به فضای مناسب و جوی عمومی و آماده و یک محیطی طبیعی است. آمادگی اجتماعی یعنی رشد فکری و شعور کامل اجتماعی که مردم خود را آماده دریافت عدالت می‌کنند و این شعور در بین تجربیات گوناگون مردم در طول مدت زمان‌هایی به دست می‌آید، می‌فهمند که به کمک نیاز دارند، با فطرت پاکش یا به جهان غیبت یا وجود مجهول و پنداری متوجه می‌شوند. از نقطه نظر مادی: شرایط زندگی نوین و پیشرفته مادی می‌تواند توانمندتر از شرایط زندگی گذشته و یا عصرهای پیشین باشد، مانند عصر غیبت صغری، بر پیاده کردن احکام دین و شریعت در کل جهان باشد، به این دلیل که وسایلی وجود دارد که مسافت‌های دور را نزدیک می‌کند و ارتباط‌های سخت با ملت‌های دیگر را آسان می‌نماید. فراهم آمدن ابزار و وسایلی که ابزار اصلی برای بیداری ملت‌های جهان بر اساس این دین و رسالت الهی می‌باشند و برای تحقق این امر، کمک شایانی می‌کنند. اما مطلبی که در پرسش به آن اشاره شد، این است که اگر امام زمان «عجل الله تعالی» در غیبت صغری قیام می‌کرد با مشکلات کمتری روبه‌رو بود؟ چون در آن زمان حکومت‌ها از لحاظ قدرت و ادوات جنگی در حد پایینی قرار داشتند و این مطلب درستی است، ولی باید به این مطلب توجه داشت که لشکریان آنها هر چقدر که قوی باشند در مقابل شکست روحی کاری نمی‌توانند انجام دهند، سربازی که قدرتمند است و ادوات جنگی دارد، هنگامی که از لحاظ روحی شکست خورده باشد، چه کاری می‌تواند بکند؟ و چه بسیار جریاناتی در این مورد که در تاریخ نقل شده است؟ (۱۰۲)

۷. تغییر تاریخ به دست یک نفر

سوال دیگری در اینجا مطرح می‌شود که: آیا می‌شود که انسانی آنقدر قدرت داشته باشد که بتواند به تنهایی تاریخ را تغییر دهد و این نقش بزرگ را ایفا کند؟ آیا آن انسان، کسی نیست که شرایط، او را پیشنهاد می‌کند، تا به وسیله او حرکت انقلاب‌های اجتماعی تحقق یابد. تفکر پیرامون این سوال با نظریه خاصی از تفسیر تاریخ رابطه دارد و آن این است که: انسان، عامل دوم سازندگی تاریخ است. (۱۰۳) و فقط می‌تواند تاریخ را بازگو کند و شخصیتی در میان شخصیت‌های تاریخ باشد و عامل اصلی و اساسی، محیط و شرایط اجتماعی است. در برخی از کتاب‌ها که تألیف نموده‌ایم (۱۰۴) توضیح داده‌ایم که تاریخ دو قطب است: ۱. انسان‌ها ۲. نیرو مادی مسلط بر اجتماع همان گونه که قدرت مادی و فضای محیط و طبیعت در انسان اثر می‌گذارد، همان طور نیز انسان در نیروهای مادی و محیط تأثیر می‌گذارد و اصولاً این فرضیه که گفته‌اند: حرکت از ماده شروع می‌شود و به انسان منتهی می‌شود. دلایلی دارد؛ عکس آن نیز هست که می‌گوئیم: حرکت از انسان شروع می‌شود و به ماده ختم می‌شود، پس انسان و ماده همیشه در طول تفاعل یکدیگر هستند، پس امکان دارد که کسی برای تغییر تاریخ بزرگتر باشد و می‌تواند در مقابل تمام عوامل بایستد و به تنهایی تاریخ تازه‌ای بسازد، به خصوص اینکه آن فرد دارای رسالت آسمانی باشد. (۱۰۵) و امدادهای غیبی او را بر همه چیز مسلط می‌کند. این موضوع در تاریخ پیامبران، بخصوص تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله دیده شده است. در حقیقت پیامبر صلی الله علیه و آله به حکم و اساس ارتباط رسالت او با خداوند متعال، خود، زمام حرکت تاریخ را به عهده گرفت و تمدنی به وجود آورد که شرایط زمانی و مکانی قادر به ایجاد این تمدن نبود. این موضوع را به صورت مشروح و مفصل در مقدمه دوم کتاب «الفتاوی الواضحه» بیان کردیم. ممکن است همان کاری که به دست پیامبر صلی الله علیه و آله انجام شد، به دست فرزندش امام زمان «عجل الله تعالی» انجام گیرد. همانطور که آن حضرت نیز وقوع این دوان عظیم را بشارت داده است. (۱۰۶)

۸. تغییر و دگرگونی در روز موعود از چه راهی و چگونه رخ می‌دهد؟

آخرین سوال از سوالاتی که طرح کردیم، این است که از چه راهی می‌توان تصور کنیم که در این راه آن شخص به پیروزی قاطع برای برقراری عدالت و نابودی پایه‌های ظلم و استکباری که با او در ستیز خواهند شد، دست می‌یابد؟ جواب این سوال به این مربوط است که: بدانیم زمان و ساعت ظهور مهدی علیه السلام چه هنگامی است؟ و امکان فرض آنچه که آن مرحله دارای امتیازات ویژه‌ای و پیچیدگی‌های خاصی باشد، تا اینکه در پرتو آن تصویری که انقلاب و دگرگونی در آن رخ می‌دهد و راهی که طی خواهد نمود، ترسیم کنیم. بنابراین تا زمانی که آن شرایط و مراحل برای ما ناشناخته هستند و پیچیدگی‌های آن برای ما پوشیده است، امکان شناخت و اطلاع رسانی علمی و آنچه که در روز موعود، چه اتفاق خواهد افتاد، وجود ندارد. و اگر فرض و تصورات بیشتر افراد این زمینه را فراهم کند که امکان تصور آن وجود دارد، این تصور چیزی جز تصور ذهنی و خیالی نیست و بدور از شالوده‌های عینی و علمی و حقیقی می‌باشد. ولی ممکن است در پرتو احادیثی که در مورد زمان «عجل الله تعالی» آمده (۱۰۷) و تجاربی که از انقلاب‌های بزرگ در تاریخ آموخته‌ایم، یک صورت اساسی برای تغییر و دگرگونی روز موعود فرض کنیم و آن این است که ظهور مهدی علیه السلام زمانی اتفاق خواهد افتاد که بشریت دچار خلاء فکری و حکومت‌های اختناق آوری می‌گردد. (۱۰۸) و این سقوطی است که نسل انسان را تهدید به نابودی می‌کند و به خاطر یک حادثه و تصادف آنی اتفاق نیفتاده است، بلکه این حالت نتیجه طبیعی سیر زندگانی انسان بوده که از تناقضات تاریخی منقطع از خدا در زندگی انسان نشأت گرفته است و در آن زمان است که انسان دست به هر کاری می‌زند تا از این راه نجات یابد، ولی نمی‌شود و این تفکر در ذهن انسان جوشش می‌گیرد که آتش ظلم مهار شود و عدل آسمانی بر روی زمین اجرا شود. حمد سپاس مخصوص خداوندی که آفریدگار

جهانیان است و سلام و درود بر محمد و خاندان پاکش، نگارش این کتاب در روز ۱۳ جمادی الثانی سال ۱۳۹۷ ه.ق شروع و در هفدهم همان ماه تمام شد. واللّٰه ولی التوفیق محمد باقر صدر نجف اشرف پایان تحقیق این کتاب در ماه رجب المرجب سال ۱۴۱۶ ه.ق در شهر مقدس قم به پایان رسید. دکتر عبدالجبار شراره.

منابع تحقیق

۱. احتجاج، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، از علما قرن ششم. تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری و شیخ محمد هادی، زیر نظر علامه شیخ جعفر سبحانی، نشر اسوه، وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ اول ۱۴۱۳ هجری. ۲. ارشاد، شیخ محمد بن نعمان مفید (ت/۴۱۳ هجری) چاپ تهران، ۱۳۷۷ هجری. ۳. الاصول العامه للفقهاء المقارن، علامه محمد تقی حکیم، چاپ دوم، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، بیروت ۱۹۷۹ میلادی. ۴. اصول کافی، شیخ محمد بن یعقوب کلینی (ت/۳۲۹ هجری)، انتشارات مکتب اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ هجری. ۵. الاشارة لاشراط الساعة، سید شریف محمد بن رسول حسینی برزنجی (۱۱۰۳ ه.ق) چاپ اول، انتشارات عبدالحمید احمد حنفی، قاهره، (۱۳۷۰ ه.ش) ۶. اقتصاد ما، «اقتصادنا» شهید محمد باقر صدر، چاپ دارالفکر - بیروت. ۷. بحار الانوار، علامه شیخ محمد باقر مجلسی (ت/۱۱۱۱ ه.ق) چاپ دارالکتب الاسلامیه - تهران. ۸. الباب الحادی عشر و شروحه، علامه ابومنصور حسن بن یوسف حلی (ت/۷۲۶ ه.ق) تحقیق: دکتر مهدی محقق، انتشارات موسسه آستانه رضوی ۱۳۶۸ هجری. ۹. التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول شیخ منصور علی ناصف، از علماء الازهر، انتشارات مکتب پاموق استانبول، چاپ سوم، دارالاحیاء الکتب العربیه ۱۳۸۱ ه.ق/۱۹۶۱ م. ۱۰. تاریخ الامم و الملوک، امام ابو جعفر محمد بن جریری طبری (ت/۳۱۰ ه.ق) چاپ استقامت قاهره، ۱۹۳۹ م. ۱۱. تبصرة الولی فیمن رای القائم المهدی، سید هاشم بحرانی، انتشارات موسسه معارف اسلامی، قم. ۱۲. التصوف و الکرامات، شیخ محمد جواد مغنیه، چاپ بیروت. ۱۳. تفسیر قرآن عظیم، ابن کثیر دمشقی (ت/۷۷۴ ه.ق) چاپ جدید، انتشارات معرفت، بیروت، ۱۹۹۴ م. ۱۴. الجامعة الاسلامیه (مجله)، سال اول، شماره سوم، مدینه منوره، ۱۹۶۹ م. ۱۵. الحاوی للفتاوی، جلال الدین سیوطی (ت/۹۱۱ ه.ق) چاپ دارالکتب العربی، بیروت. ۱۶. حق الیقین فی معرفة اصول الدین، سید عبدالله شبر (ت/۱۲۴۲ ه.ق) چاپ عرفان، صیدا، ۱۳۵۲ هجری. ۱۷. دفاع عن الکافی، ثامر هاشم عمیدی، نشر مرکز غدیر دروس اسلامی، قم، ۱۹۹۵ م. ۱۸. سنن ابن ماجه، حافظ ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی (ت/۲۷۵ ه.ق) تحقیق محمد فواد عبدالباقی، دارالفکر - بیروت. ۱۹. السیره النبویه، ابن هشام (ت/۲۱۸ ه.ق) تحقیق: عبدالحفیظ شلبی، مصطفی السقا، ابراهیم الایاری، چاپ مصطفی البابی الحلبي، مصر ۱۳۵۵ ه.ق/۱۹۳۶ م. ۲۰. صحیح مسلم، مسلم بن حسین قشیری (ت/۲۶۱ ه) چاپ دوم، دارالاحیاء التراث العربی - بیروت ۱۹۷۸ م. ۲۱. صحیح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (ت/۲۵۶ ه.ق) نشر موسسه تاریخ عربی - بیروت. ۲۲. صحیح سنن المصطفی، ابو داود سلیمان بن الاشعث سجستانی (ت/۲۷۵ ه.ق) نشر دارالکتب عربی، بیروت. ۲۳. الصواعق المحرقة، ابن حجر الهیثمی (ت/۹۷۴ ه.ق) چاپ اول، انتشارات المیمیه، مصر، ۱۳۱۲ هجری. ۲۴. تاریخ غیبت صغری، محمد صدر، نشر دارالتعارف للمطبوعات، بیروت. ۲۵. غایة المأمول شرح التاج الجامع للاصول، شیخ منصور علی ناصف، چاپ بهامش التاج الجامع للاصول. ۲۶. الفتاوی الواضحة، شهید امام محمد باقر صدر، نشر دارالتعارف للمطبوعات، بیروت. ۲۷. فلسفه ما «فلسفتنا»، شهید امام محمد باقر صدر، چاپ سوم، دارالفکر، بیروت، ۱۹۷۰ م. ۲۸. الفصول المهمة، ابن الصباغ المالکی (ت/۸۵۵ ه.ق) چاپ عدل، نجف اشرف. ۲۹. الفصول المهمة، فی تألیف الامه علامه سید عبدالحسین شرف الدین، نشر موسسه بعثت، تهران. ۳۰. المستدرک علی الصحیحین، ابو عبدالله محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (ت/۴۰۵ ه.ق) دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۸ هجری. ۳۱. مسند الامام احمد بن حنبل، انتشارات دارصادر، بیروت. ۳۲. مع الانبیاء، عقیف عبدالفتاح طباره، نشر مکتب شریف رضی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق. ۳۳. مقاتل الطالبیین، ابو الفرج علی بن حسین بن محمد اصفهانی (ت/۳۵۶ ه.ق) ۳۴. الملل و النحل، ابو الفتح محمد بن عبدالکریم

شهرستانی (ت/۵۴۸ه.ق) چاپ مکتب الانجلو مصر. ۳۵. المهدي الموعود المنتظر، عند علماء اهل السنة و الامامية شيخ نجم الدين جعفر بن محمد عسكري، نشر موسسه امام مهدي عليه السلام قم، ۱۴۰۲ هجری. ۳۶. موسوعه امام مهدي، انتشارات مکتب امام اميرالمؤمنين على عليه السلام، اصفهان، چاپ خيام، قم، ۱۴۰۱ هجری. ۳۷. معجم احاديث امام مهدي عليه السلام، تأليف و نشر موسسه معارف اسلامي، قم، چاپ اول ۱۴۱۱ ه.ق، زیر نظر شيخ على كوراني. ۳۸. ينابيع الموده، شيخ سليمان بن ابراهيم قندوزي حنفي، موسسه الاعلمي، بيروت.

گزیده‌ای از منشورات مسجد مقدس جمکران

امام مهدي عليه السلام

نام کتاب نویسنده/ مترجم قطع قیمت آخرین پناه محمود ترحمی رقی ۶۰۰۰ آن آشنا آمد مسلم پور وهاب پالتویی ۳۰۰۰

آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم)

واحد پژوهش انتشارات رقی ۱۵۰۰۰ ارتباط معنوی با حضرت مهدي عليه السلام حسين گنجی وزیری ۱۵۰۰۰

امامت، غیبت، ظهور

واحد پژوهش انتشارات رقی ۶۵۰۰

امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام

علم الهدی / واحد تحقیقات رقی ۵۰۰۰ امام مهدي در کلام امام على عليهما السلام (چهل حدیث) سيد صادق سيد نژاد جیبی ۲۰۰۰
امید آخر حسن محمودی رقی ۵۰۰۰

انتظار از دیدگاه روایات اهل بیت عليهم السلام

سکینه طاووسی رقی ۱۳۰۰۰ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات پالتویی ۳۰۰۰

انتظار چیست؟ منتظر کیست؟

واحد پژوهش رقی ۴۰۰۰

انتظار و انسان معاصر

عزیز الله حیدری رقی ۴۰۰۰

اوصاف المهدي (اسامی و القاب)

احمد سعیدی رقی ۱۵۰۰۰

اولین‌های مهدویت

محمد خامه یار پالتویی ۴۵۰۰

او هر جا که هست مرا دوست دارد

مرتضی محیطی رقععی ۳۰۰۰ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبرسی رقععی ۱۱۰۰۰

پایان انتظار

مسلم پور وهاب پالتویی ۵۵۰۰

پرچم هدایت

محمد رضا اکبری رقععی ۱۳۰۰۰

تشریف یافتگان (دفتر اول)

میرزا حسین طبرسی نوری رقععی ۷۵۰۰ تشریف یافتگان (دفتر دوم) میرزا حسین طبرسی نوری رقععی ۹۰۰۰

تشریف یافتگان (دفتر سوم)

میرزا حسین طبرسی نوری رقععی ۷۰۰۰

تشریف یافتگان (دفتر چهارم)

میرزا حسین طبرسی نوری رقععی ۷۰۰۰

تکالیف بندگان نسبت به امام زمان علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی رقععی ۲۴۰۰۰

تمنای وصال

سید غلام رضا حسینی پالتویی ۳۵۰۰ جزیره خوشبختی مسلم پور وهاب پالتویی ۳۰۰۰

جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام

حسین علی پور رقععی ۹۵۰۰

چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی رقععی ۶۰۰۰ چگونه امام زمان علیه السلام را یاری کنیم؟ سید مهدی حائری قزوینی رقععی ۶۰۰۰

حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت

محمد محمدی اشتهاردی رقعی ۲۱۰۰۰ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی رقعی ۱۲۰۰۰

خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)

محمد علی مجاهدی (پروانه) وزیری ۱۶۰۰۰

دارالسلام

شیخ محمود عراقی میثمی وزیری ۳۵۰۰۰

داستان‌هایی از امام زمان علیه السلام

حسن ارشاد رقعی ۲۰۰۰۰

داغ شقایق (مجموعه اشعار)

علی مهدوی رقعی ۸۵۰۰

در آسمان عشق

مسلم پور وهاب پالتویی ۳۵۰۰

در جستجوی نور

صافی، سبحانی، کورانی رقعی ۴۵۰۰

ذخیره خدا

اسماء خواجه‌زاده پالتویی ۲۵۰۰

ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور

مفید فیاضی وزیری ۲۴۰۰۰

زمان و مکان دعا برای حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی رقعی ۹۰۰۰ سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش رقعی ۴۰۰۰ سرود انار الهه

بهشتی رقعی ۵۰۰۰

سقا خود تشنه دیدار

طهورا حیدری رقی ۲۰۰۰

سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی

دکتر عبد اللهی وزیری ۱۵۵۰۰

سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام

محمد امینی گلستانی وزیری ۹۵۰۰۰

سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی

محمد علی مجاهدی (پروانه) وزیری ۱۸۵۰۰ شرح چهل حدیث حضرت مهدی علیه السلام علی اصغر رضوانی رقی ۷۰۰۰

شناخت حقوق و مراحم حضرت مهدی علیه السلام

موسوی اصفهانی / حائری قزوینی رقی ۵۰۰۰ صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی توحید رقی ۶۰۰۰

صفای دل

زهرا برقی رقی ۶۵۰۰

ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه ادیان

سید اسد الله هاشمی شهیدی وزیری ۳۸۰۰۰ العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان علی اکبر نهاوندی وزیری ۴۲۰۰۰۰

عریضه نویسی

سید صادق سید نژاد رقی ۸۰۰۰ عطر سیب حامد حجتی رقی ۳۵۰۰

عطر یاس

مسلم پور وهاب پالتویی ۷۵۰۰

علی علیه السلام و پایان تاریخ

سید مجید فلسفیان رقی ۱۱۰۰۰ غیبت شیخ طوسی «متن و ترجمه» شیخ طوسی / مجتبی عزیزی وزیری ۵۸۰۰۰

فریادرس

حسن محمودی رقی ۵۵۰۰ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی وزیری ۹۰۰۰

کرامات المهدی علیه السلام

واحد تحقیقات رقعی ۵۵۰۰

کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام

واحد تحقیقات رقعی ۱۰۰۰۰

کلمات قصار امام زمان علیه السلام

محمد تقی اکبر نژاد رقعی ۹۰۰۰

کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد)

شیخ صدوق (ره) وزیری ۱۰۰۰۰۰

گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)

علی اصغر یونسین رقعی ۳۰۰۰۰ گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی رقعی ۱۵۰۰۰

گوهرهای ناب در کلام امام زمان علیه السلام

محمد رحمتی شهرضا/حسین احمدی قمی رقعی ۲۸۰۰۰ مسافر گمشده مسلم پور وهاب پالتویی ۲۰۰۰

مفرد مذکر غائب (نمایشنامه)

علی مؤذنی رقعی ۵۰۰۰

مکیال المکارم (دو جلد)

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی وزیری ۷۲۰۰۰

منجی موعود از منظر نهج البلاغه

حسین ایرانی رقعی ۴۰۰۰

مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات

عزیز الله حیدری رقعی ۱۰۰۰۰

مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی

العمیدی / محبوب القلوب رقعی ۱۸۰۰۰

مهدی موعود در کلام پیامبر محمود

احمد سعیدی جیبی ۵۰۰۰

مهدی موعود علیه السلام (دو جلد)

علامه مجلسی / ارومیه‌ای وزیری ۱۲۰۰۰۰ مهربان‌تر از مادر حسن محمودی رقی ۵۰۰۰

مهر بیکران

محمد حسن شاه‌آبادی رقی ۹۰۰۰

میثاق منتظران «۱» شرح زیارت آل یاسین سید مهدی حائری قزوینی

رقعی ۸۰۰۰ میثاق منتظران «۲» شرح زیارت آل یاسین سید مهدی حائری قزوینی رقی ۱۰۰۰۰

نابیدا ولی با ما (فارسی) ویژه دانش‌آموزان

واحد تحقیقات پالتویی ۳۰۰۰

نامه‌های جوانان به امام زمان علیه السلام

محمد تقی اکبر نژاد رقی ۶۰۰۰

نامه‌های دختران به امام زمان علیه السلام

محمد تقی اکبر نژاد رقی ۶۰۰۰

نامه‌های نوجوانان به امام زمان علیه السلام

محمد تقی اکبر نژاد رقی ۵۰۰۰ نتیجه دعا برای فرج حضرت مهدی علیه السلام موسوی اصفهانی / حائری قزوینی رقی ۱۷۰۰۰ نجم

الثاقب (دو جلدی) میرزا حسین نوری (ره) وزیری ۷۵۰۰۰

نشانه‌های ظهور او

محمد خادمی شیرازی وزیری ۱۶۰۰۰

نشانه‌های یار و چکامه انتظار

مهدی علیزاده رقی ۶۰۰۰

نشانه‌هایی از مهدی علیه السلام

احمد سعیدی رقعی ۱۰۰۰۰

نیاز جهان به امام زمان علیه السلام

محمد مولوی رقعی ۶۵۰۰۰ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی رقعی ۴۵۰۰

وظایف منتظران

واحد تحقیقات جیبی ۲۵۰۰ و عده دیدار محمود ترخمی رقعی ۶۰۰۰

ویژگی‌های امام زمان علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی رقعی ۲۸۰۰۰

هزار و یک نکته پیرامون امام زمان علیه السلام

محمد رحمتی شهرضا وزیری ۴۵۰۰۰

همراه با مهدی منتظر

مهدی فتلاوی / بیژن کرمی رقعی ۹۰۰۰ یا اباصالح مسلم پور وهاب پالتویی ۲۰۰۰

یاد مهدی علیه السلام

محمد خادمی شیرازی وزیری ۲۲۰۰۰

یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)

محمد حجتی رقعی ۳۰۰۰۰

پی نوشت ها

۵۲۱

(۱) مباحث الاصول، سید کاظم حسین حائری، چاپ ۱۴۰۷، قم، مقدمه، ص ۳۳. (۲) شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، مصطفی قلی زاده، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ ۱۳۷۲، ص ۱۸ - ۱۷. (۳) همان، ص ۲۳. (۴) پیشین، ص ۲۴. (۵) مباحث الاصول، مقدمه، ص ۴۲. (۶) شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۲۹. (۷) مباحث الاصول، مقدمه، ص ۴۴. (۸) پیشین، ص ۵۲. (۹) از مهم‌ترین کتب اصول فقه شیعی، تألیف آخوند خراسانی، که محور تدریس اصول فقه در سطوح عالی حوزه‌های علمیه است. (۱۰) کتابی فقهی و بسیار مهم، تألیف مرحوم آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی. (۱۱) برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: مباحث الاصول، ص ۸۳ - ۷۹؛ شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۳۴ - ۳۳؛ گفت و گویی با حجّه الاسلام سید محمد باقر مهری، چاپ ۱۳۶۱ ه.ش.

ص ۲۰. ۱۲) مباحث الاصول، ص ۸۸. ۱۳) همان؛ ص ۸۹ - ۸۸؛ گفت و گویی با سید محمد باقر مه‌ری، ص ۳۵؛ شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۵۸ - ۵۳. ۱۴) التحریک الاسلامی فی العراق، شهید سید محمد مهدی حکیم، ص ۲۱. ۱۵) همان، ص ۶۰. ۱۶) مشتاقان می‌توانند برای آشنایی بیشتر به متن کتاب، چاپ شانزدهم، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق. یا به ترجمه آن (اقتصاد ما) جلد اول به قلم آقای محمد کاظم موسوی، و جلد دوم به قلم آقای عبدالعلی سپه‌بدی، مراجعه نمایند. ۱۷) شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۳۹. ۱۸) همان، ص ۶۱. ۱۹) مباحث الاصول، ص ۱۰۷ - ۱۰۵. ۲۰) همان، ص ۱۰۹ - ۱۰۷. ۲۱) گفت و گویی با سید محمد باقر مه‌ری، ص ۵۹. ۲۲) شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۹۴ - ۸۹. ۲۳) پیشین، ص ۱۰۲. ۲۴) المدرسه القرآنیة، شهید صدر، ص ۲۳۹. مجموع آن چهارده جلسه درس تفسیر قرآن در کتاب «المدرسه القرآنیة» تدوین شده است. ۲۵) شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۲۰. ۲۶) همان، ص ۱۲۲ - ۱۰۹. ۲۷) همان، ص ۱۲۵. ۲۸) پیشین، ص ۱۳۵ - ۱۲۸. ۲۹) همان، ص ۱۴۱. ۳۰) پیشین، ص ۱۴۴. ۳۱) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۵۷. ۳۲) اشاره به این است که در ضمیر و وجدان انسان‌های ثابت وجود دارد و در نزد برخی ملت‌ها به صورت اعتقادی همه گیر هست؛ زیرا در وجدان انسان‌ها احساس و شعوری بسیار قوی نهفته است که هنگام شدت گرفتن مشکلات، گسترش ظلم و بزرگ شدن آنها به صورت طلب و نیاز یک منجی ظهور می‌کند و این چیزی است که پیامبران بزرگوار آن را مژده داده‌اند و تاریخ تمدن انسان از آن حکایت می‌کند. ر.ک: سیده الائمه الاثنی عشر؛ هاشم معروف حسینی، ج ۲، ص ۵۱۶، به نقل از کتاب‌ها و مصادر مختلف از جمله: نظریه الامامة عند الشیعة؛ دکتر احمد محمود صبحی. ۳۳) اشاره به عقاید و آرزوهای مارکسیست‌ها به روز موعودی که طبق عقیده آنان در آخر الامر منجر به حاکمیت کمونیست‌ها می‌شود و جدال و درگیری‌های تلخ، با توجه به این نظریه معروف ماتریالیسم تاریخی پایان خواهد پذیرفت. ر.ک: فلسفه ما (فلسفتنا)؛ شهید صدر، ص ۲۶، ذیل مناقشه این نظریه. ۳۴) این قسمت اشاره به این حدیث متواتر دارد که «اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خداوند در آن روز مردی از اهل بیت را برمی‌انگیزد که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان طور که پر از ظلم شده بود». ر.ک: سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۷. ۳۵) این مطلب اشاره به وعده الهی در قرآن دارد: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ: می‌خواستیم بر ضعفای این دیار منت گذاریم و پیشوایان و وارثان زمین قرارشان دهیم». قصص، آیه ۵ و همچنین این آیه: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ: تا بر همه آیین‌ها پیروزش کند، حتی اگر مشرکان کراهت داشته باشند». توبه، آیه ۳۳. در مورد تفسیر این دو آیه درباره امام زمان «عجل الله تعالی» ر.ک: ینابیع الموده، ص ۴۵۰. ۳۶) این موضوع اشاره به بشارت پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله دارد که در حدیث شریفی فرمود: «أَنَّ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ، يَخْرُجُ يَعِيشُ خَمْسًا أَوْ سَبْعًا (الشك من الراوي) قال: قلنا: و ما ذلک؟ قال: سنين، قال: فيجىء إليه الرجل فيقول يا مهدي اعطني قال: فيحني له في ثوبه ما استطاع أن يحمله: در امت من مهدی وجود دارد، او قیام می‌کند و پنج یا هفت سال زندگی می‌کند (شک این تعداد از راوی است) پرسیده شد: یعنی چه؟ گفت: یعنی سال‌ها زندگی می‌کند. فرمود: اشخاص و مردان نزد او می‌آیند و درخواست می‌کنند، ای حضرت مهدی به ما عطا کنید، پس از آن، به آنها آن قدر می‌دهد که توانایی حمل آن را داشته باشند». این روایت در صحیح ترمذی آمده است. ر.ک: التاج الجامع للاصول؛ شیخ منصور علی ناصف، ج ۵، ص ۳۴۳ و اشارات زیادی بر این دارد که امام مهدی علیه السلام زنده و سالم در میان امت زندگی می‌کند و قیام و زندگی اش هفت سال طول می‌کشد، این به معنای ظهور و برپایی حکومت مبارکی است که همراه با عدالت و آزادی می‌باشد. ۳۷) روایت شده که: «او در حالی ظهور می‌کند که بیعت هیچ ظالمی را به گردن ندارد». احتجاج، ج ۲، ص ۵۴۵. ۳۸) این موضوع به آن اشاره دارد که وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام رویا و اندیشه‌ای خالی و مجرد نیست که افکار مظلومان را به خود معطوف داشته و آنها را سرگرم و احساساتشان را مشغول کرده؛ بلکه یک حقیقت زنده، عینی و مجسم است که به طور دقیق در ذات و وجود انسان‌ها می‌باشد. این اندیشه همراه وجود آنهاست و با آن زندگی می‌کنند. مردم با این اندیشه خود را برای پیوستن به قیامی که رهبر منتظر؛ یعنی حضرت مهدی علیه

السلام آن را رهبری خواهد کرد، آماده می‌کنند و در انتظار هستند و اگر مجرد یک اندیشه و رویای خالی باشد، انتظار نمی‌رود که یک پیوستگی وجودی و وجدانی و عاطفی میان این اندیشه و وجدان انسان‌ها باشد. از اینجا اهمیت موضوع انتظار را متوجه می‌شویم و فلسفه و اهداف آن تبیین می‌شود و در یک جمله می‌توان گفت: این حالت انتظار و آمادگی برای پذیرش منجی مصلح حتی قبل از ظهور انبیا وجود داشته است. (۳۹) این سؤال برای برخی از مردم است و در واقع می‌توان جواب مختصر و سریعی داد؛ گر چه جواب آن به طور مفصل داده خواهد شد. الف - از نظر منطقی محال نیست؛ زیرا این موضوع در حوزه امکان است و وقوع آن امکان دارد. ب - به طور معمول وقوع چنین امری محال نیست؛ زیرا در گذشته به نص صریح قرآن کریم در مورد حضرت نوح اتفاق افتاده، آنجایی که می‌فرماید: «فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا: نوح در میان قومش پنجاه سال کمتر از هزار سال زنده ماند.» عنکبوت، آیه ۱۴. نظایر این امر در حال حاضر هم امکان‌پذیر است. (۴۰) این عقیده گروهی از برادران اهل سنت است. ر.ک: تاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۶۰، ۴۱) این پرسش‌ها از قبل بوده است و هم اکنون با شیوه‌های گوناگون وجود دارد و سند تمامی آنها اوهام و گمان‌های باطلی است که پایه علمی ندارند؛ بلکه شک‌هایی محض و تلاش‌هایی مذبوحانه برای گریز از اصل و لوازم ضروری این موضوع است. چیزی شبیه پاسخ‌های تردیدآمیز مادیون و ماتریالیست‌ها است، زمانی که با دلایل عقلی و علمی در مورد وجود خداوند متعال روبرو شدند؛ به یک سری مغالطه و تأویلات زشت که دال بر عدم پذیرش دلایل و براهین محکم و قوی است، متوسل شدند، نظیر گفته آنان: اگر خدا وجود دارد، چرا ما او را نمی‌بینیم؟ و چرا چنین و چنان نمی‌کند؟ همچنین موضع این افراد در رابطه با دلایل منطقی و روایات متواتر و محکم در مسئله امام مهدی علیه السلام که بیشتر مسلمانان اعم از سنی و شیعه بر آن اتفاق نظر دارند و جای شبهه و انکار برای کسی باقی نمی‌گذارد تا به این موضوع شک برانگیز و بی‌پایه پناه آورند که: چرا امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش را معرفی نکرد؟ آنان نیز این پندار زشت را به وجود آوردند و آن را با توسل به زور به شیعیان نسبت دادند که شیعیان هر روز بر در سرداب آمده و فریاد می‌زنند و از امامشان ظهورش را می‌خواهند؛ البته آنان در اینکه کدام سرداب است، اختلاف نظر دارند. عده‌ای گفتند: در سامرا و عده‌ای دیگر گفتند: در نجف و گروه دیگر گفتند: در جایی دیگر، شأن این منکرین همین چیزهایی است که همواره حرف‌های بی‌منطق و ضد و نقیض می‌زنند و کارهای بیهوده انجام می‌دهند. ر.ک: راه و روش حل مسئله که در مقدمه آمده است. (۴۲) شیخ مفید در «ارشاد»، ص ۳۴۶. شیخ شعرانی در «الیواقیت» و «الجواهر»، ج ۲، مبحث ۶۵، که هر دو از محققین و بزرگان سنی و شیعه هستند، ولادت باسعادت امام زمان «عجل الله تعالی» در سال ۲۲۵ هجری قمری را ثابت کرده‌اند. این چیزی است که شک و تردیدهای برخی از مدعیان دانش را به شدت رد و باطل می‌کند: «الأئمة اثنا عشر کلهم من قریش: ائمه شیعیان، دوازده نفراند که همگی از قریش می‌باشند.» این حدیث برای افرادی است که معتقد و ملتزم به ائمه دوازده گانه که از عترت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، می‌باشد که اولین آنها امیرمؤمنان علی علیه السلام و آخرینشان حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد. تمام نص‌ها و احادیثی که وارد شده بر وجود ائمه دوازده گانه، صدق می‌کند و حدیث متواتر ثقلین پشتوانه محکمی بر آن می‌باشد. حدیث «من مات لا يعرف امام زمانه: کسی که امام زمانش را نشناسد و بمیرد...»، شاهد محکمی بر این عقیده است که جز در میان معتقدان ائمه دوازده گانه - شیعیان - کسی آن را قبول ندارد. ر.ک: الاصول العامة للفقهاء المقارن؛ علامه محمدتقی حکیم، بحث حجیت سنت، ص ۱۴۵ و بالاتر. (۴۳) طبق نص صریح قرآن کریم، کسی که عهده‌دار کفالت و نگهداری عیسی علیه السلام در طفولیت شد و به یحیی علیه السلام در کودکی حکمت و حکومت بخشید، می‌تواند عهده‌دار زندگی و آماده شدن کسی شود که قرار است زمین را در آخر الزمان از ظلم و جور تطهیر کند. ر.ک: التاج الجامع للأصول؛ ج ۵، ص ۳۴۱ - ۳۴۳. (۴۴) این مسئله در گرو شرایط خاص خود است، همان طوری که بر اساس مقتضای حکمت، تأخیر ارسال پیامبران و حتی زمان بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله بر خلاف نیاز جامعه و مردم به آنان حکم شده و در این مسئله نیز چنین است. (۴۵) همان طور که خواهد آمد علمای امت اسلامی بر صحت احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام اجماع و

اتفاق نظر دارند و فقط کسانی که به احادیث آشنایی ندارند، معتقد نیستند. ر.ک: التاج الجامع للاصول؛ ج ۵، ص ۳۶۱-۴۶ ما در تاریخ مشاهده نموده‌ایم که قهرمانان چه کارهایی در تاریخ امت‌های خود به ثبت رسانده‌اند. شهید بزرگوار سید محمد باقر صدر در اینجا راهکار و توضیحی اصیل و بسیار مهم برای حرکت تاریخ و نقش یک قهرمان تاریخی و اهمیت شرایط تثبیت شده در تأثیر به ما ارائه می‌دهد. توماس کارلیل در کتاب قهرمانان به نقش قهرمان اشاره نموده است در صورت لزوم به کتاب مذکور رجوع کنید؛ ترجمه دکتر صباغی، چاپ مصر، مجموعه هزار کتاب. ۴۷) در اینجا اشاره‌ای است به سلاح‌های کشتار جمعی که برتر از تمدن و تکنولوژی و شامل رسانه‌های جمعی و ارتباطی، صوتی و تصویری و تأثیرات شگفت آنها است، در حالی که دیده‌ایم چگونه سلاح‌های پدافندی در مقابل این سلاح‌ها اثر خود را از دست می‌دهند و همچنین مشاهده کرده‌ایم تأثیر معنویات در ناکامی و خنثی کردن اثر سلاح‌های مختلف دشمن و یا کاهش اثر این سلاح‌ها به اندازه بسیار زیاد که غالباً در انقلاب‌ها و قیام‌های مردمی رخ داد. ۴۸) این پرسش‌هایی که شهید آیت الله صدر مطرح می‌کند، به تحکیم حقیقتی مهم منجر می‌شود و آن اینکه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هنگامی که وضعیتی غیرطبیعی و عادی در روند زندگی بشریت وجود داشت، بشارت داد که به وجود امام مهدی علیه السلام، به طور اجمال خبر از تحکیم زود هنگام امکان وقوع این امر است و از تأکید بر ممکن بودن این کار (یعنی طولانی بودن عمر انسان‌ها). مانند این پیش بینی و پیش گویی در توجیه مردم به بعضی از حقایق که در این عالم وجود دارد. قرآن مجید و احادیث شریف در موارد بسیاری از طبیعت هستی و حیات خبر داده‌اند. ر.ک: القرآن و العلم الحدیث؛ دکتر عبدالرزاق نوفل. ۴۹) اشاره به این آیه است: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَىٰ بَاكٍ وَمَنْزَعٍ اسْتَدْبَارِي الَّذِي فِي سَمَوَاتِهِ الْكُرْسِيُّ الَّذِي يَرَى الْعَرْشَ الْمُبِينُ» (اسراء، آیه ۱. ۵۰) اشاره به این آیه: «فَلَبَّتْ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا: او ۹۵۰ سال در میان مردم زندگی کرد.» عنکبوت، آیه ۱۴. ۵۱) مخاطبین این سؤال، مسلمانان مؤمن به قرآن کریم و احادیث شریف نبوی هستند، چرا که علمای اهل سنت برای غیر حضرت نوح علیه السلام مقداری بیشتر از این سن را روایت کرده‌اند. ر.ک: تهذیب الاسماء و اللغات؛ النووی، ج ۱، ص ۱۷۱. صحیح نیست که بگوییم خبر این موضوع را قرآن داده و آن بیان عمر نوح پیامبر علیه السلام می‌باشد، امّا اینجا نه نصّ قطعی وجود دارد، نه ارتباط به پیامبری. جواب: این موضوع واحدی است که عبارت است از، واژگونی نظام ظلم و فساد و سلطه و این همان مأموریتی است که به یکی از پیامبران واگذار و به یکی از برگزیدگان خداوند متعال نیز تفویض شده است، همچنان که در زبان احادیث و روایات صحیح، آمده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمَ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا: اگر از دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از اهل بیتم را برانگیزاند تا زمین را پر از عدل و داد کند.» التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۳. اما به لحاظ متون قاطع، احادیثی که در مورد حضرت مهدی علیه السلام آمده از حدّ تواتر گذشته است و این موجب قطعیت و یقین می‌شود. بنابراین فرقی میان این دو موضوع وجود ندارد. ر.ک: التاج الجامع للاصول، ج ۵، صفحات ۳۴۱ - ۳۶۰ که تواتر آن را از قول شوکانی نقل نموده است و علما و محققین فریقین (شیعه و سنی) به این نتیجه رسیده‌اند که هر کس مهدی علیه السلام را منکر شود، به تحقیق رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را کافر و منکر گشته است. این موضوع، چیزی نیست جز اینکه تواتر احادیث که از ضروریات دین می‌باشند و علما اجماع دارند که منکر ضروریات دین، کافر است. ر.ک: الاشاعة لاشباط الساعة؛ برزنجی، بحث مهدویت؛ ما جریان تواتر را در مقدمه ذکر کردیم. ۵۲) انبیاء، آیه ۶۹.

عصایت را به دریا بزن، دریا شکاف برداشت و هر بخشی همچون کوه عظیمی شد.» شعراء، آیه ۶۳. ۵۴) اشاره به این آیه: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ: در حالی که او را نکشتند و به دار نیاویختند، بلکه امر بر آنها مشتبه شد.» نساء، آیه ۱۵۷. ۵۵) سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۲۷. ۵۶) بعضی این طور می‌گویند که فرار با قانون دیگری صورت می‌گیرد، همان طور که در مورد قانون جاذبه است. قانون جاذبه، اشیاء را به مرکز جاذبه می‌کشاند. با این حال فرآیند مکیدن آب در نباتات با مویرگ‌ها به طرف بالا، با قانون دیگری است که همان قانون مویرگ‌های نباتات به طرف بالا- می‌باشد. ر.ک: القرآن محاولة لفهم امری؛ دکتر مصطفی محمود. ۵۷) این موضوع اشاره دارد به عقیده شیعه اثنی عشری که استناد آن به دلایل معقول و منقول و بالاخص حدیث ثقلین متواتر «انی ترکْتُ فیکم ما ان تمسکتُم بهما لَنْ تزلوا بعدی ابدأ کتاب اللّٰه و عترتی و اهل بیتی: در میان شما دو چیز را باقی می‌گذارم که اگر به آنها تمسک جویند، گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم اهل بیت علیهم السلام.» ر.ک: صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۳؛ نیز الصواعق المحرقة؛ ابن حجر، ص ۸۹ چنین گفت: بدان که برای اثبات این حدیث (حدیث تمسک) راه‌های فراوانی وجود دارد که از ۱۰۲۰ صحابی نقل شده است. همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: «لن یفترا حتی یردی علی الحوض... این دوازده نفر جدا نمی‌شوند تا بر حوض کوثر نزد من آیند...» و نیز فرمود: «الخلفاء بعدی اثنا عشر کلهم من قریش: جانشینان بعد از من دوازده نفر هستند که همگی از قریش می‌باشند.» مفاد تمام این احادیث اقرار به این معناست. ۵۸) پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد ویژگی، نقش، وظایف و اهدافشان فراوان سخن گفته‌اند، اینکه آنان صاحب دین، شریعت، کشتی‌های نجات و موجب مصون نگه داشتن امت از گمراهی هستند، نیز در حدیث ثقلین و «لن یفترا» بر عصمت دوازده امام تأکید کرده‌اند. بنابراین عقل نمی‌پذیرد که آنان باعث مصونیت امت اسلامی از گمراهی شوند، در حالی عده‌ای می‌پندارند که آنان معصوم نیستند. ر.ک: کتاب الاصول العامه للفقهاء المقارن؛ علامه محمد تقی حکیم، ص ۱۶۹ به بعد، مبحث محبت سنت. ۵۹) اشاره به این آیه است: «أَنَّهُمْ فَتِنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى: آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان داشتند و ما نیز بر هدایتشان افزودیم.» کهف، آیه ۱۳. ۶۰) اشاره به این آیه: «وَلِكَيْلَا يَأْتِيَنَّكَ الْمُتَلَفَاتِ فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِتِّينَ وَ أَرَادُوا تَشَعُّا: آنها سیصد سال در آن غار ماندند و نه سال نیز بر آن افزودند.» کهف، آیه ۲۵. ۶۱) تمام این مسائل با پرورش و آماده سازی ویژه‌ای که برای آن حضرت در نظر گرفته شده، ارتباط دارد که در آن قادر است با دیدی عمیق و گستره بیکران به جای دید محدود، با چشمان خودش ببیند. افرادی که به ظاهر خود را غول نشان می‌دهند و دنیا را به غوغا و هرج و مرج می‌کشاند و مردم را به هراس و ترس از خود وادار می‌کنند، کوچک و کم ارزش می‌بیند. با این دید و شهود گسترده می‌تواند بهتر و بیشتر، مأموریت و وظیفه آسمانی خود را انجام دهد و هستی را دگرگون سازد، یعنی زمین را پس از ظلم و جور پر از عدل کند، که به جز استعداد، مواهب ذاتی و عنایت خاص خداوند نیست. ۶۲) سزاوار نیست کسی ایراد بگیرد که حضرت محمد صلی الله علیه و آله با داشتن رسالتی جهانی و مأموریت بزرگ دگرگونی جامعه در متن دوران جاهلیت زندگی می‌کرده؛ اما هیچ گاه از آن تأثیر نگرفته است، همچنان که پیامبران گذشته چنین بوده‌اند، بنابراین، وحدت نظر و وجه اشتراک این دو نظر چیست؟ جواب: الف - بی‌شک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خود را از فرهنگ دوران جاهلیت کنار کشیده و در آن زمان در عزلت به سر می‌برده است. ما در سیره نبوی می‌خوانیم که او تنهایی را دوست داشت و بیشتر اوقات به غار حرا می‌رفت و در آنجا به مناجات می‌پرداخت، همچنان که دیگر انبیا، از فرهنگ و کردار امت خود دوری می‌کردند و به این وسیله از آنها بیزاری می‌جستند. قرآن به این موضوع اشاره می‌کند: «فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ» مریم، آیه ۴۹. ب - به پیامبر وحی می‌شود و به طور مستقیم پشتوانه الهی دارد؛ کارها و راه‌هایی که باید انجام دهد، گام به گام از راه وحی دریافت می‌کند؛ اما امام علیه السلام طبق عقیده شیعه و به طور مستقیم، وحی دریافت نمی‌کند؛ امام مورد عنایت خداوند و امدادهای الهی قرار می‌گیرد و آمادگی ویژه و خاص برای امداد در ارتباط با امت و تمدن اسلامی دارد و در بردارنده پشتوانه اصالت، معرفت و علم از پدران بزرگوارش می‌باشد. او آگاه به نقاط قوت، عوامل ضعف و ناکامی تمدن‌ها است؛ با این دید

گسترده می‌تواند بر کلیه امور تسلط و احاطه پیدا کند. این از اعتقادات شیعیان به توانمندی‌های علمی و ذاتی امام علیه السلام می‌باشد که خداوند متعال به ایشان عنایت فرموده است و با این نگرش، امام از نیروها و امدادهای الهی برخوردار می‌شود. توضیح این مطلب در بحث چهارم خواهد آمد. ۶۳) ارشاد؛ شیخ مفید، ص ۳۱۶. ۶۴) ر.ک: الصواعق المحرقة؛ ابن حجر، ص ۱۲۳. ۶۵) ر.ک: الصواعق المحرقة؛ ابن حجر، ص ۱۲۳. ۶۶) ارشاد؛ شیخ مفید، ص ۳۱۹ و الصواعق المحرقة؛ ابن حجر، ص ۱۲۳. ۶۷) رجوع کنید به: امام صادق علیه السلام و مذاهب اربعه، ج ۱، ص ۵۶ و مجالس سینه، ج ۵، ص ۲۰۹. ۶۸) به نظر شیعیان دوازده امامی، شخص امام، داناترین و عالمترین مردم زمان خود می‌باشد. رجوع کنید: باب ۱۱! علامه حلی، بنابراین امامان شیعه برای اثبات برتری علم و دانش خود در معرض امتحانات و آزمایشات زیادی قرار گرفته‌اند و در این آزمون‌ها پیروز شدند. رجوع کنید: صواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۲۳ توضیحاتی در این مورد از سؤالات یحیی بن اکثم از امام جواد علیه السلام نقل کرده است. ۶۹) اعتقاد به امامت ائمه، برای شیعیان نشان گران تمام شد و این در تاریخ ثابت شده و هیچ انکاری در مورد آن وجود ندارد و شاهد این مسئله، غائب شدن امام زمان «عجل الله تعالی» است. رجوع کنید: مقاتل الطالبین، ابی فرج اصفهانی. ۷۰) ائمه به این روایات زیادی توصیه کرده‌اند: رجوع کنید: اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۲، کتاب حجت، باب ۲: «ان الواجب علی الناس بعد ما یقضون مناسکهم ان یاتوا الامام فیسألونه عن معالم دینهم و یعلمونه ولایتهم و موذتهم له: بر مردم واجب است، بعد از تمام شدن حجشان که نزد امام بروند و از علوم دینی بپرسند و ولایت و محبت خود را نسبت به او ابراز کنند.» ۷۱) به عبارت دیگر باید که از مردم برتر و داناتر باشد، بنابراین اعتقاد شیعیان دوازده امامی رجوع کنید به: حق الیقین فی معرفه اصول الدین، سید عبدالله شبر، ج ۱، ص ۱۴۱. ۷۲) مأمون نیز این کار را انجام داد و برای آزمایش امام جواد دست به اینکار زد، ولی دانش امام جواد علیه السلام برای خواص و دانایان روشن شد. ۷۳) سوره مریم، آیه ۱۲. ۷۴) شیعیان خاص نیز از حضرت مهدی علیه السلام چنین چیزی دیدند و با او تماس برقرار کردند و از او گرفتند، همان طور که به وسیله نواب چهار گانه این گونه ارتباط برقرار کردند. رجوع کنید به: تبصره الولی فیمن رای القائم المهدی علیه السلام، بحرانی و الارشاد، شیخ مفید، ص ۳۴۵ و دفاع عن الکافی، سید ثامر العمیدی، ج ۱، ص ۵۳۵ به بعد. ۷۵) این پرسش‌ها را شهید صدر مورد کاوش قرار داد، به دلیل اینکه به عنوان شبهاتی مهم مطرح هستند و این کمترین چیزی است که در این موضوع، مورد شک و شبهه قرار گرفته‌اند. حتی برخی از نویسندگان معاصر بدون دلیل و برهان، این شبهات را به همراه سر و صدا و هیاهوی زیادی مطرح کردند و این‌ها تلاش‌هایی مذبحانه و باطلی از طرف فرقه وهابیت برای ترویج و دامن زدن به آنها می‌باشد. علت ایجاد این شبهه‌ها بر هیچ کسی پوشیده نیست و شهید صدر به بیان پاسخ‌های علمی، برای کسانی که طالب حقیقت هستند، اقدام کرده است. ۷۶) کتاب المهدی علیه السلام نوشته عموی شهید صدر ملاحظه شود. ر.ک: آنچه که شیخ عبّاد در مجله جامعه الاسلامیه، شماره ۳، سال ۱۹۶۹ نوشته است. ر.ک: به: المهدی الموعود المنتظر، شیخ نجم الدین عسکری. ۷۷) ر.ک: معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، موسسه معارف اسلامی، جز اول، احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله.

۱۰۸۶۲۸

۷۸) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی علیه السلام از ما اهل بیت علیهم السلام است که خداوند، کار او را در شبی اصلاح و درست می‌کند.» ر.ک: الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۲، ص ۲۱۳ و ۲۱۵. همچنین آمده که: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خداوند، مردی از اهل بیتم را مبعوث می‌کند که زمین را پر از عدل و داد کند، همان طور که پر از ظلم شده است.» ر.ک: صحیح سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۷ و سنن ابن ماجه: ج ۲، ص ۱۳۶۷ و ۴۰۸۵. ر.ک: معجم احادیث المهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۷ و صفحات بعد که احادیث زیادی از کتب اهل سنت مانند صحاح و مسندها که در این مورد آمده است: و ر.ک: موسوعه الامام المهدی علیه السلام، مهدی فقیه ایمانی، جزء اول و در آن احادیث و روایاتی از ده‌ها کتاب

علمای سنی در مورد مهدی علیه السلام و اوصاف او آمده است و در این کتاب‌ها نسخه‌ای از مناظره شیخ عبّاد در مورد احادیث و آثار پیرامون امام زمان «عجل الله تعالی» وجود دارد. «مهدی علیه السلام از خاندان من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.» و ر.ک: صحیح سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۸. ۷۹) حدیث «مهدی علیه السلام از نوادگان حسین علیه السلام» بر اساس معجم احادیث مهدی علیه السلام در ذیل آمده است: اربعون حدیث، ابی نعیم اصفهانی همان طور که در عقدر الدرر، مقدسی شافعی آمده و طبرانی در کتاب اوسط از کتاب المنار المنیف، ابن قیم ذکر کرده است. سیره الحلیه، ج ۱، ص ۱۹۳. منتخب الاثر، شیخ لطف الله صافی گلپایگانی و رجوع کنید به روایت موهنی که می‌گوید: او از فرزندان امام حسن علیه السلام است که در کتاب دفاع عن الکافی، ج ۱، ص ۲۹۶، سید عمیدی آمده است. ۸۰) ر.ک: روایتی که به این اشاره دارد که: او از فرزندان امام حسین علیه السلام است. در ینابیع الموده، قندوزی حنفی، ص ۴۹۲ و مقتل الامام الحسین علیه السلام، خوارزمی، ج ۱، ص ۱۹۶ و فرائد السمطین، جوینی شافعی، ج ۲، ص ۳۱۰ الی ۳۱۵، احادیث ۵۶۱ الی ۵۶۹ و رجوع کنید به منتخب الاثر، علامه شیخ صافی که این روایت را از دو طریق سنی و شیعه روایت کرده (دفاع عن الکافی، ج ۱، ص ۲۹۴). ۸۱) حدیث «الخلفاء بعدی اثنا عشر کلهم عن قریش: جانشینان بعد از من دوازده نفر و همگی از قریش هستند.» یا «لا یزال هذا الدین قائما ما ولیه اثنا عشر کلهم من قریش: این دین تا زمانی قوام و استحکام دارد و پا بر جاست که دوازده نفر که همگی از قریش هستند، سرپرستان آن باشند.» این حدیث متواتر است و در کتب اهل سنت از صحاح و مسندها از راه‌های متعددی روایت شده و اختلاف کمی در متن آن است؛ بله، در تفسیر آن اختلاف دارند و پریشان می‌شوند. ر.ک: صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۰۱، کتاب احکام باب استخلاف و صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۱۹، کتاب الاماره و مسند احمد، ج ۵، ص ۹۰ و ۹۳ و ۹۷. ۸۲) رجوع کنید به: غیبت کبری، سید محمد صدر، ص ۲۷۲ به بعد. ۸۳) ر.ک: التاج الجامع للاصول، ج ۳، ص ۴۰. ۸۴) صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۰۱، کتاب احکام، چاپ احیاء التراث العربی، بیروت. ۸۵) ر.ک: التاج الجامع للاصول، ج ۳، ص ۴۰. ابوداود در کتاب المهدی به این صورت روایت کرده: «این دین از بین نمی‌رود، تا دوازده جانشین و امام بر شما...» و ر.ک: سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۰۷. ۸۶) همان. ۸۷) همان. ۸۸) مسند الامام احمد، ج ۵، ص ۹۳ و ۱۰۰. ۸۹) المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۶۱۸. ۹۰) اشاره به این آیه دارد: «و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی: بر اساس هوی و هوس حرف نمی‌زند، این نیست جز آنچه به او وحی می‌شود.» نجم، آیه ۳ و ۴. ۹۱) عالمان بعد از تطبیق آن و درک صحت آن، در تفسیرش پریشان می‌شوند و مصادیقی که در مورد آن آمده را قبول نمی‌کنند، بلکه برخی از آنها تماما غیر معقول هستند، همچون یزید بن معاویه که فاسق علنی و بی‌بند و بار و کافر است، مصداق این هستند. رجوع کنید به آنچه که «سید ثامر عمیدی» از سخنان آنان نقل کرده و این مسئله به صورت دقیق و موشکافانه مورد بررسی و کاوش قرار داده و تفسیر و خیال بافی‌های آنان را در کتاب دفاع عن الکافی، ج ۱، ص ۵۴۰ به بعد، باطل کرد. ۹۲) ر.ک: غیبت صغری، سید محمد صدر. ۹۳) در مورد این چهار نفر رجوع کنید به کتاب غیبت صغری، سید محمد صدر، فصل سوم، ص ۳۹۵ به بعد، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات، بیروت ۱۹۸۰. ۹۴) این به اسم توقیعات شناخته شده که پاسخ‌های سوالاتی است که امام زمان «عجل الله تعالی» از طریق نوشتاری و گفتاری داده است. رجوع کنید به: احتجاج، طبرسی ۷ ج ۲، ص ۵۲۳ به بعد. ۹۵) تمام این دست خطها با یک روش و به وسیله یک نفر نوشته شده است. ۹۶) ارتباط امام زمان «عجل الله تعالی» با روش‌های مخصوص شیعیان از طریق نواب و کلا یا راه‌های دیگر، یک واقعیت تاریخی ثابت شده انکارناپذیر است. مسئله نواب و سفرای آن حضرت، از دلایل مستند زیاد دیگری که برای ایمان آوردن به کسی که باید ایمان آورد، برتر می‌باشد. این موضوع مقتضای احادیث متواتر می‌باشد، مانند حدیث: «من مات و لم یعرف امام زمانه، مات میتة الجاهلیة: هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.» و از این قبیل احادیث. مسلماً تمام این مسائل که مورد اتفاق اکثر طوائف و ملت‌های اسلامی می‌باشد، به طور قاطع پاسخگوی شبهات در مورد وجود امام زمان «عجل الله تعالی» و استمرار و ادامه زندگی مبارک و شریف او می‌باشد، ر.ک: غیبت

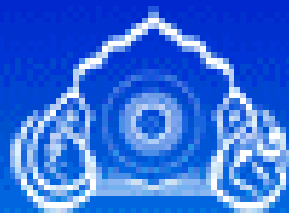
صغری، سید محمد صدر، ص ۵۶۶. ۹۷) در توفیق مبارکی که از امام مهدی علیه السلام صادر شده، آمده که آن حضرت بعد از غیبت صغری به شکل کامل و روشنی، رؤیت و مشاهده نخواهد شد و این موضوع مورد اتفاق نظر علمای شیعه می‌باشد، برای اطلاع بیشتر ر.ک: غیبت صغری، سید محمد صدر، ص ۶۳۹ به بعد. ۹۸) اشاره به این آیه دارد: «قَالُوا حَرَقُوهُ وَأَنْصُرُوا آلَهُتَكُمْ أَنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ، قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ»: گفتند: کاری که از شما ساخته است این است که او را بسوزانید و یاری دهنده خدایان خود باشید. گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش. آنها قصد نیرنگی به او داشتند و ما زیانکاران کردیم.» انبیاء، آیه ۷۰ - ۶۷. ۹۹) ر.ک: تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۳ و بحار، ج ۱۸، ص ۴۷ و ۵۲ و ۶۰ و ۷۵، باب معجزات نبی صلی الله علیه وآله. ۱۰۰) تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۴۴، حوادث سال پنجم هجری. ۱۰۱) همان گونه که در حدیث نبوی به این مطلب اشاره شده که: «اگر یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن را آنقدر طولانی می‌کند تا مردی از من یا از اهل بیتم را برانگیزد و زمین را پر از عدل و داد کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.» ر.ک: التاج الجامع للاصول، منصور علی ناصف، ج ۵، ص ۳۶۰. ۱۰۲) مصداقی برای این مقوله که شهید صدر بر اساس اطلاع عمیق او نسبت به جامعه بشری بیان کرده، مشاهده کردیم، در سال‌های ۹۰ میلادی اتحاد جماهیر شوروی که یکی از دو قطبی که بر جهان مسلط بوده‌اند، با سرعت بسیار زیاد متلاشی شد، به صورتی که باعث شگفتی همگان گردید. ۱۰۳) اشاره دارد به نظریه مادی تاریخی، یعنی تفسیر مارکسی برای تاریخ. ر.ک: اقتصاد ما، ج ۱، ص ۱۹ که در آن تحلیل علمی و سخنان فلسفی عمیقی از قلم شهید صدر وجود دارد. ۱۰۴) اشاره به کتاب فلسفه ما و مقدمه کتاب اقتصاد ما. ۱۰۵) ر.ک: کتاب الابطال: توماس کارلیل، ترجمه دکتر سباعی، سلسله الالف کتاب، مصر. ۱۰۶) التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۳. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «مهدی از من است، پیشانی درخشان، بینی کشیده و باریک دارد و زمین را پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد، پر از عدل و داد می‌کند.» ۱۰۷) می‌توان به نشانه‌های ظهور و یا درگیری‌ها و وقایعی که پیش از ظهور و یا همراه ظهور که بر اساس روایات وارده که تصویری از وقایع صحیحی در آن آمده، به بحث مفصل و مبسوط کتاب عصر ظهور، سید محمد صدر رجوع کرد و نیز ر.ک: ارشاد، شیخ مفید، ص ۳۵۶ به بعد و الاشاعة لا شراط الساعة، محمد حسین برزنجی. ۱۰۸) این اشاره‌ای به آن دارد که جامعه انسانی به دلیل درگیری‌ها و سبقت گرفتن از یکدیگر در میان تمدن مادی و مجموعه‌های سیاسی، به آن سو کشیده می‌گردد که منجر به ناکامی در تحقق امنیت، آرامش و خوشبختی انسان می‌شود. نشانه‌های این خلاء روز به روز و رفته رفته در عصر ما و در تمام ساکنان زمین نمایان می‌گردد. برای کسی که اخبار و گزارش‌ها و تفسیرهای خبری، سیاسی را دنبال می‌کند، این مسئله بسیار خوب و لمس شده است. البته روز موعود دور نخواهد بود.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری

شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵ نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه

می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

